



تبیین جامعه‌شناختی و آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی جوانان شهر بندر عباس با تاکید بر عوامل اجتماعی و فرهنگی

مریم فکور^۱، جلیل عزیزی^۲، سید کورش سرورزاده^۱، بهبود خادمی^۱

۱. گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران
۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد نیریز، دانشگاه آزاد اسلامی، نیریز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Azizi_research@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ سیاسی جوانان بندرعباس و شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری و آسیب‌پذیری آن است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و اکتشافی است که به روش توصیفی-همبستگی و با رویکرد پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل ۳۸۴ جوان ۱۹ تا ۲۹ ساله شهر بندرعباس بود که با نمونه‌گیری هدفمند و تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق ۱۰ پرسشنامه محقق‌ساخته با ۷۲ گویه بر اساس مقیاس لیکرت گردآوری شد. پایایی ابزار با آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۷۰ و روایی با نظر خبرگان و تحلیل اعتبار همگرا تأیید گردید. تحلیل داده‌ها با رگرسیون چندگانه، تحلیل مسیر و رگرسیون بوت‌استرپ انجام شد تا اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر ابعاد فرهنگ سیاسی (محدود، تبعی، مشارکتی) مشخص شود. نتایج نشان داد پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان (تحصیلات، شغل، درآمد) تأثیر معناداری بر پایداری مذهبی، استفاده از رسانه‌های جمعی و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی دارد. پایداری مذهبی موجب افزایش رضایت از زندگی و تقویت ارزش‌های فرهنگی شد. رضایت از زندگی نیز اثر مثبتی بر مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی و فرهنگ سیاسی مشارکتی، و اثر منفی بر فرهنگ‌های محدود و تبعی داشت. همچنین استفاده از رسانه‌های جمعی عضویت در نهادهای مدنی را افزایش داد و نهادهای مدنی موجب تقویت پایداری به ارزش‌های فرهنگی و مشارکت غیررسمی شدند. یافته‌ها نشان دادند که ۵۵٪ از جوانان دارای فرهنگ سیاسی تبعی، ۳۱٪ دارای فرهنگ مشارکتی و ۱۴٪ دارای فرهنگ محدود هستند. در نهایت، شکاف‌های ساختاری شامل نابرابری اقتصادی-اجتماعی، ضعف نهادهای مدنی، وابستگی طبقاتی و بی‌تأثیری رسانه‌ها از مهم‌ترین آسیب‌های شناسایی شده بودند. یافته‌ها بیانگر آن است که فرهنگ سیاسی جوانان بندرعباس بیشتر تابع الگوی تبعی است و هرچند رضایت از زندگی و سرمایه اجتماعی موجب گرایش به فرهنگ مشارکتی می‌شوند، اما موانع ساختاری، اقتصادی و فرهنگی همچنان مانع از شکل‌گیری کامل فرهنگ سیاسی مشارکتی در میان جوانان می‌گردند. تقویت سرمایه اجتماعی انتقادی، گسترش آموزش سیاسی، و ارتقای نهادهای مدنی برای اصلاح فرهنگ سیاسی ضروری است.

کلیدواژه‌گان: فرهنگ سیاسی، آسیب‌شناسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی، بندرعباس، تحلیل مسیر، شکاف فرهنگی-دیجیتال، جوانان

تاریخ ارسال: ۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۰ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۷ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۵



How to cite: Fakoor, M., Azizi, J., Sarvarzadeh, S. K., & Khademi, B. (2026). Sociological Explanation and Pathology of the Political Culture of Bandar Abbas Youth with Emphasis on Social and Cultural Factors. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(2), 1-28.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Sociological Explanation and Pathology of the Political Culture of Bandar Abbas Youth with Emphasis on Social and Cultural Factors

Maryam Fakoor¹, Jalil Azizi^{1*}, Seyed Kouros Sarvarzadeh¹, Behbood Khademi²

1. Department of Social Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Jahrom, Iran

2. Department of Sociology, Ney.C., Islamic Azad University, Neyriz, Iran

*Corresponding Author's Email: Azizi_research@yahoo.com

Abstract

This study aims to sociologically explain the political culture of Bandar Abbas youth and identify the social and cultural factors influencing its structure and vulnerabilities. This applied, exploratory study used a descriptive–correlational, cross-sectional design based on a survey approach. The statistical population consisted of 384 young residents aged 19–29 in Bandar Abbas, selected through purposive and random sampling. Data were collected using ten researcher-made Likert-scale questionnaires (72 items). Reliability (Cronbach's $\alpha > 0.70$) and content validity (expert review and convergent validity) were confirmed. Data were analyzed using multiple regression, path analysis, and bootstrap regression to determine direct and indirect causal relationships among socioeconomic, cultural, and political variables shaping three types of political culture: parochial, subject, and participatory. Results revealed that socioeconomic status (education, occupation, income) significantly affected religiosity, media use, and social capital dimensions. Religiosity positively influenced life satisfaction, which in turn strengthened adherence to cultural values and both formal and informal political participation. Life satisfaction had a positive effect on participatory culture and negative effects on parochial and subject political cultures. Media use enhanced membership in civic organizations, which promoted cultural commitment and informal political participation. The overall distribution showed 55% subject culture, 31% participatory culture, and 14% parochial culture among youths. Structural inequalities, weak civic institutions, dependence on class-based resources, and ineffective media were major cultural pathologies identified. The findings indicate that the predominant political culture among Bandar Abbas youth remains subject-oriented. Although life satisfaction and social capital foster participatory tendencies, enduring structural, economic, and cultural constraints hinder full participatory engagement. Strengthening critical social capital, expanding political education, and empowering civic institutions are essential for reforming political culture.

Keywords: *Political culture, pathology, social capital, political participation, Bandar Abbas, path analysis, digital-cultural divide, youth*

Submit Date: 22 June 2025

Revise Date: 12 October 2025

Accept Date: 19 October 2025

Publish Date: 22 June 2026

فرهنگ سیاسی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده به ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع، نقشی تعیین‌کننده در الگوهای کنش سیاسی، نحوه تعامل شهروندان با قدرت، و شکل‌گیری نهادهای مدنی دارد. این مفهوم از دهه ۱۹۶۰ به بعد، با آثار کلاسیکی همچون «فرهنگ مدنی» آلموند و وربا وارد گفتمان نظری علوم سیاسی شد و به تدریج جایگاه ویژه‌ای در مطالعات توسعه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، و جامعه‌پذیری سیاسی یافت. امروزه در جوامع در حال گذار مانند ایران، که میان سنت و مدرنیته در نوسان‌اند، مطالعه فرهنگ سیاسی جوانان به‌ویژه از منظر جامعه‌شناختی اهمیتی دوچندان دارد، زیرا این قشر نه‌تنها حاملان ارزش‌های نوین اجتماعی‌اند، بلکه شاخص پویایی یا ایستایی نظام سیاسی نیز محسوب می‌شوند (Vasilache, 2021). در چنین بستری، شناخت ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی، آسیب‌های درونی آن، و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بازتولید یا اصلاح آن، ضرورتی نظری و عملی است.

فرهنگ سیاسی، مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، و جهت‌گیری‌های شناختی و عاطفی افراد نسبت به نظام سیاسی و نهادهای حاکم است که به‌صورت تاریخی و اجتماعی در ذهن و رفتار شهروندان درونی شده و از طریق فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی بازتولید می‌شود (Ordukhanyan, 2019). بر اساس الگوی آلموند و وربا، سه نوع فرهنگ سیاسی اصلی وجود دارد: محدود، تبعی و مشارکتی که هر یک بیانگر سطحی از آگاهی، احساس تعلق، و مشارکت سیاسی‌اند (Fatemi Nia, 2019). در ایران نیز پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که فرهنگ سیاسی تبعی یا انفعالی، که در آن افراد از ساختار سیاسی آگاه‌اند ولی نقش فعالی در تصمیم‌گیری ندارند، همچنان غالب است (Ghajri & Basiti, 2021). این امر از عوامل متعددی همچون نابرابری‌های اجتماعی، ضعف نهادهای مدنی، بی‌اعتمادی نهادی، و فاصله‌ارزی میان نسل‌ها تأثیر می‌پذیرد (Amiri et al., 2021).

بررسی تاریخی تحول فرهنگ سیاسی ایران نشان می‌دهد که این فرهنگ در پیوندی تنگاتنگ با تحولات ساختاری و تاریخی از انقلاب مشروطه تا دوره معاصر شکل گرفته است. به گفته (Fatemi Nia, 2019)، در طول صد سال اخیر، تداوم استبداد، ضعف جامعه مدنی و آموزش سیاسی ناکافی، مانع شکل‌گیری فرهنگ مشارکتی پایدار شده است. از سوی دیگر، مطالعات (Nejatpour et al., 2017) و (Moradi Jo, 2020) نیز تأکید دارند که آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی ایران معاصر باید از منظر چندبعدی و با لحاظ روابط بین نسلی، اقتصادی، و فرهنگی صورت گیرد. بر اساس یافته‌های (Sajjadi & Maghsoudi, 2019)، تغییر نسل‌ها در شهرهایی چون سنندج نشان داده است که گرچه نشانه‌هایی از حرکت به سوی فرهنگ دموکراتیک مشاهده می‌شود، اما این تحول هنوز از انسجام نهادی و فرهنگی لازم برخوردار نیست. در این میان، سرمایه اجتماعی یکی از عوامل کلیدی در تبیین فرهنگ سیاسی به شمار می‌رود. بر اساس دیدگاه (Vasilache, 2021)، بین فرهنگ سیاسی و توسعه سرمایه اجتماعی رابطه‌ای دوسویه وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که هرچه سطح فرهنگ سیاسی شهروندان بالاتر باشد، اعتماد اجتماعی، مشارکت جمعی و احساس تعلق به نهادهای مدنی نیز تقویت می‌شود. در همین راستا، پژوهش (Aghaei Khaneh Bargh et al., 2020) با تأکید بر مدل‌سازی روابط میان فرهنگ سیاسی، اعتماد و مشارکت سیاسی دانشجویان نشان داد که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان متغیر میانجی در پویایی فرهنگ سیاسی عمل کند. به همین ترتیب، یافته‌های (Abbasi Esfejr & Esfandiari, 2017) و (Amiri et al., 2021) نیز نشان داده‌اند که افزایش سطح سرمایه اجتماعی در میان جوانان منجر به تقویت نگرش‌های مشارکتی و کاهش فرهنگ تبعی می‌گردد.

از سوی دیگر، رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی نوین در دهه اخیر به یکی از تأثیرگذارترین عوامل بر فرهنگ سیاسی نسل جوان تبدیل شده‌اند. پژوهش (Medvedeva, 2022) نشان می‌دهد که کمبود سواد رسانه‌ای و ناتوانی در تحلیل انتقادی محتوای سیاسی در شبکه‌های اجتماعی، باعث تقویت ادراکات سطحی و رفتارهای هیجانی در میان جوانان روسی شده است. همسو با این یافته، (Ignatova, 2023) و (Kenesov, 2024) با تأکید بر شهروندی دیجیتال، به این نتیجه رسیده‌اند که فضای مجازی می‌تواند همزمان بستری برای تقویت مشارکت سیاسی و عاملی برای گسترش قطبی‌سازی فرهنگی باشد. در جهان امروز، بخش عمده‌ای از کنش سیاسی نسل Z در قالب مشارکت دیجیتال و رسانه‌محور

شکل می‌گیرد که این امر، نوعی بازتعریف از فرهنگ سیاسی سنتی را ایجاب می‌کند (Antonova, 2023; Parsakia, Rostami, Saadati, et al., 2023).

با توجه به این تحولات، مسئله شکاف نسلی و تفاوت ارزش‌ها میان نسل‌های مختلف اهمیت فزاینده‌ای یافته است. مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی جدید در ایران نشان داده‌اند که تفاوت ارزش‌ها، سبک‌های زندگی، و رویکردهای فرهنگی میان نسل‌های جدید و قدیم، به‌ویژه در نسل Z، در حال گسترش است (Parsakia, Rostami, Darbani, et al., 2023). این شکاف، خود را در عرصه سیاسی نیز نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که نسل جوان بیشتر به اشکال غیررسمی مشارکت، فعالیت‌های مدنی مبتنی بر فضای مجازی، و کنش‌های فرهنگی گرایش دارد تا حضور در ساختارهای سیاسی رسمی (Alodat et al., 2023; Johnson, 2023).

در سطح جهانی نیز، پژوهش‌های متعددی بر نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی تأکید کرده‌اند. به عنوان نمونه، (Barnett, 2019) با بررسی نسبت میان فرهنگ عمومی و دموکراسی نشان می‌دهد که تضعیف اعتماد عمومی و نهادهای مدنی می‌تواند تهدیدی برای ثبات نظام‌های دموکراتیک باشد. (Feischmidt, 2020) نیز به «چرخش ملی‌گرایانه در فرهنگ جوانان» اشاره کرده و معتقد است که افزایش گرایش‌های راست‌گرایانه، پیامد مستقیم تحولات رسانه‌ای و بحران‌های هویتی است. همچنین، پژوهش (Mirenda & Chavero, 2021) نشان می‌دهد که نابرابری‌های جنسیتی و ساختارهای مردسالار، مشارکت سیاسی زنان را محدود و فرهنگ سیاسی را در برابر تغییر آسیب‌پذیرتر می‌کنند.

از منظر جامعه‌شناختی، فرهنگ سیاسی به‌صورت تاریخی و اجتماعی متأثر از ساختار طبقاتی و منابع اقتصادی جامعه است. (Mazi, 2022) در مطالعه‌ای میدانی در مناطق حاشیه‌ای سندج نشان داد که فقر و نابرابری، موجب ضعف سرمایه اجتماعی و در نتیجه، تضعیف فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌شود. یافته‌های مشابهی در پژوهش (Mazloom Khodashahri et al., 2020) نیز گزارش شده است که در آن، توسعه اجتماعی عاملی کلیدی در ارتقای فرهنگ سیاسی مشارکتی معرفی می‌شود. در همین راستا، (Nygård et al., 2020) و (Abdukhalik, 2022) نیز نشان داده‌اند که افزایش سرمایه اجتماعی و تعاملات مدنی به‌ویژه در میان جوانان و سالمندان، سطح مشارکت سیاسی را ارتقا می‌دهد.

در مقابل، عوامل بازدارنده‌ای نیز وجود دارند که مانع از رشد فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌شوند. مطالعات (Kokh et al., 2020)، (Shevchenko et al., 2020) و (Shiri, 2020) نشان می‌دهند که نوسانات سیاسی، ضعف آموزش مدنی، و تسلط فرهنگ اقتدارگرا از مهم‌ترین آسیب‌های مؤثر بر فرهنگ سیاسی جوانان در جوامع در حال گذار هستند. به‌ویژه (Kokh et al., 2020) تأکید می‌کند که ضعف نظام آموزشی در پرورش تفکر انتقادی، جوانان را از تبدیل شدن به شهروندانی آگاه و مشارکت‌جو باز می‌دارد. همچنین، (Reidy et al., 2015) در بررسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی در جوامع پست‌تعارض، نشان داد که فقدان نهادهای میانجی فرهنگی، موجب بازتولید الگوهای انفعالی و بی‌اعتمادی سیاسی می‌شود.

در سطح نظری، پژوهش (Zavershinskiy, 2019) فرهنگ سیاسی را نوعی «بازسازی نمادین واقعیت سیاسی» می‌داند که از طریق نمادها، زبان و حافظه جمعی، بازتولید می‌شود. به همین ترتیب، (Ordukhanyan, 2019) بر لزوم تحلیل نظری و روش‌شناختی دقیق این مفهوم تأکید دارد و آن را نه صرفاً مجموعه‌ای از نگرش‌ها، بلکه نظامی از معانی اجتماعی در حال تغییر می‌داند. در پی این رویکرد، (Kristóf et al., 2021) نشان داده است که همگنی سیاسی در شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند موجب قطب‌بندی سیاسی و شکل‌گیری شکاف‌های فرهنگی شود؛ پدیده‌ای که در جوامع در حال گذار مانند ایران نیز قابل مشاهده است.

در ایران معاصر، آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی نیازمند درک چندوجهی از تعامل میان ساختارهای اجتماعی و باورهای سیاسی است. به باور (Moradi Jo, 2020)، ضعف نهادهای مدنی، اقتدارگرایی تاریخی و فاصله طبقاتی، از عوامل اصلی شکل‌گیری فرهنگ تبعی محسوب می‌شوند. افزون بر این، پژوهش‌های (Shiri, 2020) و (Noroozi et al., 2020) نشان داده‌اند که متغیرهایی مانند بازاریابی سیاسی،

رسانه‌ها و سرمایه اجتماعی می‌توانند در بازسازی الگوهای رفتاری سیاسی نقش ایفا کنند، اما در غیاب اعتماد اجتماعی، این تأثیرها محدود باقی می‌مانند. از سوی دیگر، در جوامع مدرن، فرهنگ سیاسی جوانان بیش از هر زمان دیگری از شبکه‌های مجازی، رسانه‌های دیجیتال و ارزش‌های جهانی تأثیر می‌پذیرد، و همین مسئله اهمیت بازتعریف سیاست‌ورزی و مشارکت مدنی را دوچندان می‌سازد (Majumdar, 2023; Martinez et al., 2023).

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که با تمرکز بر شهر بندرعباس به‌عنوان یکی از مناطق فرهنگی و اجتماعی متنوع ایران، ابعاد جامعه‌شناختی فرهنگ سیاسی جوانان را تبیین و آسیب‌شناسی نماید. در این شهر، که ترکیبی از سنت‌های بومی، روابط قومی، و مدرنیته شهری را در خود جای داده، تحلیل عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی می‌تواند تصویری از تعامل میان ساختار اجتماعی و ذهنیت سیاسی جوانان ارائه دهد. یافته‌های پیشین نشان می‌دهند که در چنین بافت‌هایی، سرمایه اجتماعی انتقادی، نهادهای مدنی و میزان رضایت از زندگی، از عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری فرهنگ مشارکتی هستند (Aghaei Khaneh Bargh et al., 2020; Amiri et al., 2021).

در مجموع، مرور ادبیات نظری و تجربی نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی مفهومی پویا و چندبعدی است که از مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای تأثیر می‌پذیرد. ضعف سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی نهادی، نابرابری اقتصادی و فقدان سواد رسانه‌ای از مهم‌ترین چالش‌های آن در ایران محسوب می‌شوند. این پژوهش با تکیه بر چارچوب‌های نظری پیشین و یافته‌های میدانی، در پی پاسخ به این پرسش کلیدی است که الگوی غالب فرهنگ سیاسی در میان جوانان بندرعباس کدام است و کدام عوامل اجتماعی و فرهنگی بیشترین نقش را در شکل‌گیری یا تضعیف آن ایفا می‌کنند.

روش‌شناسی

این مطالعه از نوع کاربردی و اکتشافی است که به لحاظ روش اجرا، به شیوه توصیفی-همبستگی و به صورت مقطعی در سال ۱۴۰۳ انجام می‌شود. جامعه آماری مطالعه شامل جوانان ۱۹ تا ۲۹ سال شهر بندرعباس است که نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند و تصادفی در دسترس و فرمول کوکران انتخاب شده است. داده‌ها از طریق مرور اسنادی و تهیه ۱۰ پرسشنامه محقق‌ساخته و بومی سازی شده (مجموعاً ۷۲ سوال) با مقیاس لیکرت جمع‌آوری شده که روایی ابزارها با استفاده از نظر اساتید و اعتبار همگرا و پایایی با ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی برای شناخت ویژگی‌های نمونه و آمار استنباطی شامل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر است که برای تقویت اعتبار نتایج، در صورت نقض فروض نرمال بودن متغیرها از روش رگرسیون بوت‌استرپ^۱ خطی استفاده می‌شود که طی آن ۱۵ فرضیه مهم تحقیق، طی مدل مفهومی در نظر گرفته شده مورد سنجش قرار می‌گیرد. رگرسیون بوت‌استرپ یک روش ناپارامتریک است که با بازنمونه‌گیری مکرر از داده‌ها، خطاهای استاندارد و فواصل اطمینان ضرایب را برآورد می‌کند و در شرایطی که فروض کلاسیک رگرسیون همچون نرمال بودن توزیع متغیرها نقض شده باشد، نتایج مقاوم‌تر و واقع‌بینانه‌تری ارائه داده و امکان بررسی فرضیات را فراهم می‌نماید. فرضیات مطرح شده در این مطالعه به شرح زیر می‌باشند:

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان، تأثیر معناداری بر پایبندی مذهبی، استفاده از رسانه‌های جمعی و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی دارد.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد که میزان پایبندی مذهبی تأثیر معناداری بر میزان رضایتمندی از زندگی دارد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد که میزان رضایتمندی از زندگی تأثیر معناداری بر پایبندی به ارزش‌های فرهنگی در میان جوانان بندرعباس دارد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد که میزان رضایتمندی از زندگی تأثیر معناداری بر ابعاد مشارکت سیاسی (رسمی و غیر رسمی) دارد.

¹ Bootstrap

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد که میزان رضایتمندی از زندگی تاثیر معناداری بر فرهنگ سیاسی جوانان بندرعباس و ابعاد مختلف آن (محدود، تبعی، مشارکتی) دارد.

فرضیه ۶: به نظر می‌رسد که استفاده از رسانه‌های جمعی تاثیر معناداری بر عضویت در نهادهای مدنی دارد.

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد که عضویت در نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر پایبندی بر ارزش‌های فرهنگی دارد.

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد که عضویت در نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر ابعاد مختلف مشارکت سیاسی (رسمی و غیر رسمی) دارد.

فرضیه ۹: به نظر می‌رسد که پایبندی به ارزش‌های فرهنگی تاثیر معناداری بر مشارکت سیاسی (رسمی - غیر رسمی) دارد.

فرضیه ۱۰: به نظر می‌رسد که میزان رضایتمندی از زندگی، تاثیر معناداری بر فرهنگ سیاسی و ابعاد سه گانه آن (محدود، تبعی و مشارکتی) دارد.

فرضیه ۱۱: به نظر می‌رسد که عضویت در نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی دارد.

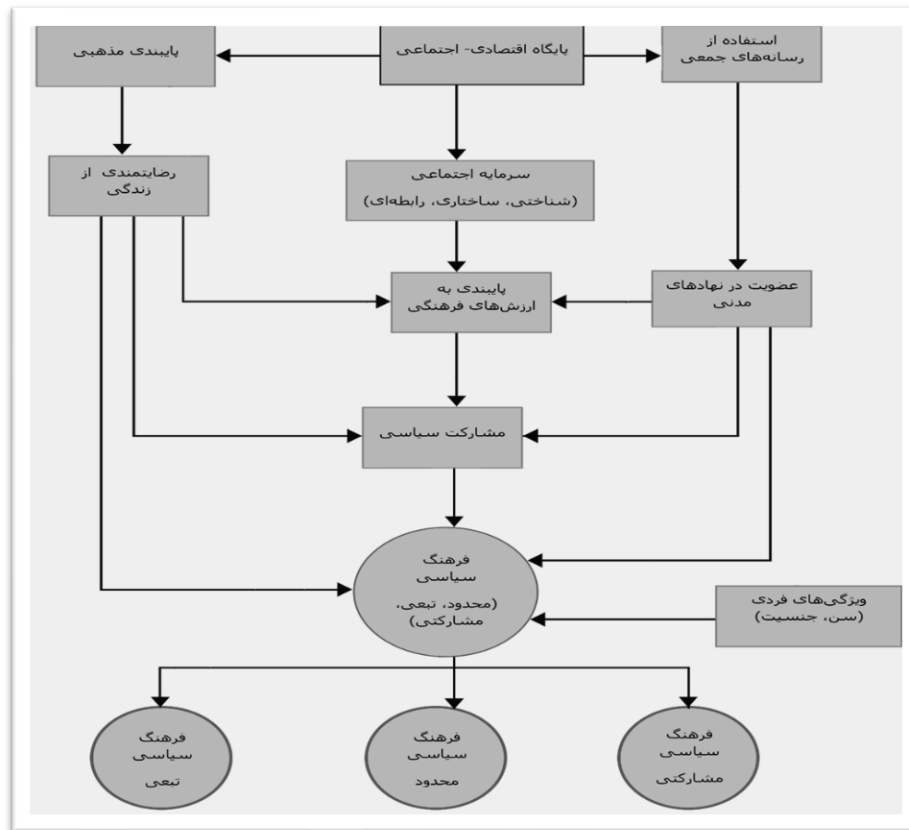
فرضیه ۱۲: به نظر می‌رسد که متغیرهای زمینه‌ای همچون سن و جنسیت تاثیر معناداری بر ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی دارد.

فرضیه ۱۳: به نظر می‌رسد که مشارکت سیاسی (رسمی - غیر رسمی) بر ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی (محدود - تبعی - مشارکتی) تاثیر معناداری دارد.

فرضیه ۱۴: فرهنگ سیاسی مشارکتی نسبت به فرهنگ تبعی و محدود، به دلیل ویژگی‌های خاص بندرعباس، در میان جوانان شهر بندرعباس، فرهنگ غالب‌تر است.

فرضیه ۱۵: به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف (ساختاری، رابطه‌ای و شناختی)، تاثیر معنی داری بر ابعاد مختلف مشارکت سیاسی (رسمی و غیر رسمی) دارد.

لذا با توجه به این فرضیات، مدل مفهومی در نظر گرفته شده که نشان‌دهنده روابط علی و معنادار میان متغیرهای تحقیق است شامل سه سطح اصلی می‌باشد. سطح نخست، متغیرهای برون‌زا شامل ویژگی‌های زمینه‌ای و اقتصادی - اجتماعی نظیر تحصیلات، شغل، درآمد، سن و جنسیت است که صرفاً تأثیرگذار بوده و تحت تأثیر سایر متغیرها قرار نمی‌گیرند. سطح دوم، متغیرهای میانجی را دربر می‌گیرد که هم تأثیرپذیر و هم تأثیرگذار هستند و شامل پایبندی مذهبی، استفاده از رسانه‌های جمعی، سرمایه اجتماعی (ساختاری، شناختی و رابطه‌ای)، رضایتمندی از زندگی، عضویت در نهادهای مدنی، پایبندی به ارزش‌های فرهنگی و مشارکت سیاسی (رسمی و غیررسمی) می‌شوند. در نهایت، سطح سوم متغیرهای نهایی را شامل می‌شود که ابعاد فرهنگ سیاسی را شکل می‌دهند و شامل فرهنگ سیاسی با ابعاد سه گانه محدود، تبعی و مشارکتی هستند. این ساختار سه سطحی امکان بررسی مسیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کلی اثرگذاری متغیرهای برون‌زا و میانجی بر فرهنگ سیاسی جوانان را فراهم می‌آورد و چارچوب تحلیلی دقیقی برای آزمون فرضیات پژوهش ایجاد می‌کند.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

یافته‌ها

نتایج حاصل از بررسی توزیع فراوانی جنسیت نمونه تحقیق نشان داد که از مجموع ۳۸۴ جوان ۱۹ تا ۲۹ ساله مورد بررسی شهر بندرعباس، ۵۶.۵ درصد (۲۱۷ نفر) مرد و ۴۳.۵ درصد (۱۶۷ نفر) زن هستند که نشان‌دهنده توزیع نسبتاً متوازن اما با برتری اندک مردان است. بررسی توزیع فراوانی سن نمونه تحقیق نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً متوازن اما با تمرکز بیشتر در گروه‌های سنی جوان‌تر است. با توجه به نتایج بدست آمده مشاهده می‌شود که حدود ۳۲.۶ درصد (۱۲۵ نفر) در بازه ۲۴-۲۲ سال قرار دارند، که بیشترین فراوانی را تشکیل می‌دهد، در حالی که بازه ۲۷-۲۵ سال با ۲۰.۸ درصد (۸۰ نفر) کمترین سهم را دارد؛ بازه‌های ۲۱-۱۹ سال (۲۳.۴ درصد، ۹۰ نفر) و ۲۹-۲۸ سال (۲۳.۲ درصد، ۸۹ نفر) نیز توزیع تقریباً برابر دارند.

با تمرکز بر توزیع میزان تحصیلات نمونه مورد بررسی مشاهده می‌شود که اکثریت نمونه (۳۰.۵ درصد، ۱۱۷ نفر) دارای مدرک دیپلم هستند، که با توجه به ساختار نظام آموزشی ایران و دسترسی گسترده به آموزش متوسطه در مناطق شهری، قابل انتظار است. گروه بعدی با ۲۴.۷ درصد (۹۵ نفر) دارای مدرک کارشناسی و ۲۰.۱ درصد (۷۷ نفر) دارای مدرک فوق‌دیپلم هستند، که نشان‌دهنده تمایل قابل توجه جوانان به ادامه تحصیل در سطوح کاردانی و کارشناسی است. در مقابل، درصد پایین‌تر تحصیلات ابتدایی (۴.۹ درصد، ۱۹ نفر)، بی‌سوادی (۲.۱ درصد، ۸ نفر)، و مقاطع بالای کارشناسی نظیر کارشناسی ارشد (۵.۷ درصد، ۲۲ نفر) و دکتری (۲.۶ درصد، ۱۰ نفر) نشان‌دهنده محدودیت‌های دسترسی به آموزش عالی در این گروه سنی و یا اولویت‌بندی‌های اقتصادی-اجتماعی منطقه است.

با بررسی داده‌های مرتبط با شغل نمونه مورد بررسی، مشاهده می‌شود که ۲۹.۷ درصد (۱۱۴ نفر) بیکار هستند، که بالاترین فراوانی را تشکیل می‌دهند که با شرایط اقتصادی بندرعباس در سال ۱۴۰۴، به‌ویژه محدودیت‌های بازار کار برای جوانان و تأثیرات اقتصاد متکی بر فعالیت‌های

بندری و غیررسمی، همخوانی دارد. گروه بعدی، زنان و دختران خانه‌دار با ۲۴.۰ درصد (۹۲ نفر) هستند که نشان‌دهنده نقش‌های سنتی جنسیتی در این منطقه است که ممکن است مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان را تحت تأثیر قرار دهد. کارگران ساده (۱۶.۷ درصد، ۶۴ نفر) و کارگران خدماتی (۱۴.۱ درصد، ۵۴ نفر) نیز بخش قابل توجهی را تشکیل می‌دهند، که بازتاب‌دهنده اقتصاد مبتنی بر خدمات و فعالیت‌های بندری در بندرعباس است. مشاغل غیررسمی (۷.۳ درصد، ۲۸ نفر)، کارگران ماهر/کارکنان سطح پایین (۶.۳ درصد، ۲۴ نفر) و معلمان/کارکنان رسمی (۲.۱ درصد، ۸ نفر) درصدهای کمتری دارند، که نشان‌دهنده محدودیت فرصت‌های شغلی تخصصی و رسمی برای جوانان این شهرستان است. بر اساس داده‌های جمع آوری شده تحقیق، مشخص گردید که ۴۸.۲ درصد (۱۸۵ نفر) از افراد درآمدی کمتر از ۱۰ میلیون تومان در ماه دارند، که بالاترین فراوانی را تشکیل می‌دهد که به نظر می‌رسد که با شرایط اقتصادی سال ۱۴۰۴ بندرعباس، به‌ویژه تحت تأثیر تورم بالا، محدودیت‌های بازار کار و وابستگی به مشاغل غیررسمی و بندری، همخوانی دارد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). گروه بعدی با ۳۲.۳ درصد (۱۲۴ نفر) در بازه درآمدی ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان قرار دارند، که نشان‌دهنده حضور بخش قابل توجهی از جوانان در مشاغل با درآمد متوسط و اغلب ناپایدار است. در مقابل، تنها ۹.۹ درصد (۳۸ نفر) در بازه ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان، ۶.۸ درصد (۲۶ نفر) در بازه ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان و ۲.۹ درصد (۱۱ نفر) درآمدی بیش از ۴۰ میلیون تومان دارند، که نشان‌دهنده محدودیت دسترسی به مشاغل پردرآمد و تخصصی در این گروه سنی است.

در این پژوهش، پایایی و روایی ابزارهای اندازه‌گیری به‌صورت نظام‌مند ارزیابی شد. پایایی درونی گویه‌ها با ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد که طی آن مشخص گردید که تمامی پرسشنامه‌ها با مقادیر فراتر از ۰.۷۰ (آستانه پایایی قابل قبول) از سازگاری درونی مطلوبی برخوردار هستند. روایی محتوایی نیز از طریق بازبینی علمی توسط سه استاد برجسته جامعه‌شناسی تضمین گردید. این فرآیند، اعتبار علمی و کفایت ابزارها را برای تحلیل داده‌ها تأیید می‌کند.

جدول ۱. ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ) پرسشنامه‌های پژوهش

ردیف	نام پرسشنامه	ابعاد	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
۱	فرهنگ سیاسی	محدود	۳	۰.۹۰
		تبعی	۳	۰.۸۷
		مشارکتی	۳	۰.۹۶
۲	مشارکت سیاسی	رسمی	۳	۰.۸۲
		غیر رسمی	۳	۰.۷۸
۳	سرمایه اجتماعی	ساختاری	۳	۰.۹۱
		رابطه ای	۳	۰.۸۱
		شناختی	۳	۰.۸۶
۴	پایبندی به مذهب	-	۶	۰.۸۰
۵	رضایت از زندگی (SWLS)	-	۵	۰.۹۱
۶	عضویت در نهادهای مدنی	-	۵	۰.۷۹
۷	استفاده از رسانه‌های جمعی	-	۶	۰.۷۲
۸	استفاده از فناوری اطلاعات (ICT)	-	۵	۰.۷۶
۹	پایبندی به ارزش‌های فرهنگی	-	۱۰	۰.۷۷

اساساً مهم‌ترین گام در انجام تحلیل آماری - استنباطی؛ انتخاب نوع آزمون و استنباط آماری متناسب با هدف محقق است که طی آن تکنیک‌های پارامتری و یا ناپارامتری تحقیق انتخاب می‌شود که معمولاً با توجه به توزیع آماری داده‌ها و محدودیت‌های نمونه مشخص می‌گردد. از اینرو در اولین گام و قبل از انجام هر گونه تست آماری باید مطمئن شویم که داده‌هایمان به طور نرمال توزیع شده باشند. نتایج حاصل از این بررسی‌ها که به شرح جدول زیر ارایه شده نشان داد که به جز متغیر پایبندی به ارزش‌های فرهنگی (با احتمال آزمون شاپیرو بزرگتر از ۵

درصد و برابر ۰.۰۸۶)، بقیه متغیرها از توزیع غیرنرمال برخوردار می‌باشند. لذا برای تحلیل‌های استنباطی، رویکرد ناپارامتریک مناسب خواهد بود که بر پایه رتبه‌بندی داده‌ها عمل نموده و به توزیع نرمال وابسته نخواهد بود.

جدول ۲. نتایج توزیع آماری متغیرهای پژوهش

Sig.	Shapiro-Wilk		Sig.	Kolmogorov-Smirnov ^a		
	df	Statistic		df	Statistic	
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۹۴۴	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۱۷۲	فرهنگ سیاسی محدود
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۷۵۵	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۳۱	فرهنگ سیاسی تبعی
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۸۹۲	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۲۳	فرهنگ سیاسی مشارکتی
.	۳۸۴	۰.۷۲۳	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۳۱۵	مشارکت سیاسی رسمی
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۸۶۷	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۱۷۵	مشارکت سیاسی غیر رسمی
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۹۱۵	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۳۵	سرمایه اجتماعی ساختاری
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۸۸۷	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۷۸	سرمایه اجتماعی رابطه ای
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۸۹۸	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۷۳	سرمایه اجتماعی شناختی
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۹۰۹	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۳۲	میزان پایبندی به مذهب
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۹۱	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۱۹۹	میزان رضایت از زندگی
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۸۸۳	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۳۳	عضویت در نهادهای مدنی
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۴۷۸	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۳۶۹	استفاده از رسانه‌های جمعی
.۰۰۰۱	۳۸۴	۰.۹۸۶	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۰۹۴	استفاده از فناوری اطلاعات
.۰.۰۸۶	۳۸۴	۰.۹۹۳	.۰.۰۰۱	۳۸۴	۰.۰۶۵	پایبندی به ارزش‌های فرهنگی
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۸۵۹	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۱۶	سن
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۹۴۶	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۱۵۸	تحصیلات
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۸۷۶	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۰۷	شغل
.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۷۶۶	.۰۰۰۰	۳۸۴	۰.۲۷۱	درآمد

نتایج آزمون فرضیات

-نتایج فرضیه اول:

طبق این فرضیه ادعا شده بود که: پایگاه اقتصادی-اجتماعی (با متغیرهای میزان تحصیلات، شغل و سطح درآمد)، تاثیر معناداری بر سه متغیر پایبندی مذهبی، استفاده از رسانه‌های جمعی و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی (ساختاری، شناختی، رابطه ای) دارد. نتایج پنج رگرسیون مجزا، با توجه به سطح معناداری ($\text{Sig.} < ۰.۰۵$) و فواصل اطمینان ۹۵٪ بوت‌استرپ، تأیید کامل این فرضیه را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج رگرسیون رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان و پایبندی مذهبی

متغیر وابسته: پایبندی مذهبی	B	۹۵٪ CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	-۵.۰۸۸	[-۶.۲۱۲, -۳.۹۷۰]	.۰۰۰	۴۰۳.۶۶	۰.۴۶۱
تحصیلات	۱.۷۲۸	[۱.۵۶۷, ۱.۸۸۹]	.۰۰۰		
شغل	۱.۶۷۱	[۱.۵۱۲, ۱.۸۲۷]	.۰۰۰		
درآمد	۲.۳۸۲	[۲.۱۳۸, ۲.۳۶۷]	.۰۰۰		

جدول ۴. نتایج رگرسیون رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان و استفاده از رسانه‌های جمعی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: استفاده از رسانه‌های جمعی
۰.۲۵۹	۴۴.۲۳	.۰۰۰	[۸.۶۱۶, ۱۲.۵۷۸]	۱۰.۶۵۸	ثابت
		.۰۰۰	[.۵۱۹, ۱.۰۳۴]	.۷۷۴	تحصیلات
		.۰۰۰	[.۴۱۰, .۷۵۴]	.۵۷۱	شغل
		.۰۰۰	[.۶۱۵, ۱.۱۵۰]	.۸۶۷	درآمد

جدول ۵. نتایج رگرسیون رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان و سرمایه اجتماعی ساختاری

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی ساختاری
۰.۷۸۲	۴۵۴.۰۳	.۰۰۰	[۱.۰۰۵, ۱.۶۷۸]	۱.۳۵۳	ثابت
		.۰۰۰	[.۵۰۲, .۶۰۵]	.۵۵۳	تحصیلات
		.۰۰۰	[.۵۱۵, .۶۱۳]	.۵۵۶	شغل
		.۰۰۰	[.۷۴۶, .۹۳۲]	.۸۳۹	درآمد

جدول ۶. نتایج رگرسیون رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان و سرمایه اجتماعی شناختی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی شناختی
۰.۷۶۱	۴۰۳.۹۲	.۰۰۰	[۲.۸۵۵, ۳.۴۴۵]	۳.۱۵۳	ثابت
		.۰۰۰	[.۴۲۸, .۵۲۷]	.۴۷۷	تحصیلات
		.۰۰۰	[.۴۶۶, .۵۶۲]	.۵۱۴	شغل
		.۰۰۰	[.۶۷۱, .۸۴۵]	.۷۵۷	درآمد

جدول ۷. نتایج رگرسیون رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان و سرمایه اجتماعی رابطه ای

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی رابطه ای
۰.۶۶۰	۴۰۰.۷۳	.۰۰۰	[۲.۹۹۹, ۳.۵۵۰]	۳.۲۷۲	ثابت
		.۰۰۰	[.۴۱۰, .۵۱۰]	.۴۵۹	تحصیلات
		.۰۰۰	[.۴۶۲, .۵۵۳]	.۵۰۹	شغل
		.۰۰۰	[.۶۵۴, .۸۱۲]	.۷۳۲	درآمد

نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که در تمامی مدل‌های رگرسیون، درآمد به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده شناخته شده و نقش محوری در تقویت رفتارهای مذهبی، دسترسی به رسانه‌ها و توسعه شبکه‌های اجتماعی ایفا می‌نماید.

-نتایج فرضیه دوم:

طبق این فرضیه ادعا شده است که: میزان پایبندی مذهبی تاثیر معناداری بر میزان رضایتمندی از زندگی دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با توجه به سطح معناداری ($\text{Sig.} < ۰.۰۵$) نشان دهنده تایید این فرضیه می‌باشد.

جدول ۸. نتایج رگرسیون رابطه پایبندی مذهبی جوانان و میزان رضایتمندی از زندگی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: رضایتمندی از زندگی
۰.۶۴۶	۶۶۹۴.۴۸	.۰۰۰	[۲.۰۸۵, ۲.۷۶۲]	۲.۴۴۱	ثابت
		.۰۰۰	[۱.۰۹۱, ۱.۱۴۲]	۱.۱۱۵	میزان پایبندی مذهبی جوانان

لذا به نظر می‌رسد که این یافته با نظریه‌های روان‌شناسی مثبت همخوانی دارد، که پایبندی مذهبی را به دلیل ارائه چارچوب‌های معنایی، حمایت اجتماعی از طریق مناسک دینی، و کاهش اضطراب وجودی، عاملی کلیدی در افزایش رضایت از زندگی می‌داند.

-نتایج فرضیه سوم:

طبق این فرضیه ادعا شده است که: میزان رضایتمندی از زندگی تاثیر معناداری بر پایبندی به ارزش‌های فرهنگی در میان جوانان بندرعباس دارد. نتایج این آزمون با توجه به سطح معناداری ($\text{Sig.} < ۰.۰۵$)، تایید شدن این فرضیه را نشان می‌دهد.

جدول ۹. نتایج رگرسیون رابطه میزان رضایتمندی از زندگی و پایبندی به ارزش‌های فرهنگی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: پایبندی به ارزش‌های فرهنگی
۰.۱۵۰	۲۰.۱۶	.۰۰۰	[۱۵.۵۷۷, ۱۸.۱۰۸]	۱۶.۸۵۸	ثابت
		.۰۰۰	[۰.۹۸, ۰.۲۵۰]	۰.۱۷۴	میزان رضایتمندی از زندگی

لذا یافته‌های این آزمون تأیید می‌کند که افزایش رضایت از زندگی به‌طور معناداری پایبندی به ارزش‌های فرهنگی (مانند هنجارهای قومی و مذهبی) را تقویت می‌نماید.

-نتایج فرضیه چهارم:

طبق این فرضیه ادعا شده است که: میزان رضایتمندی از زندگی تاثیر معناداری بر ابعاد مشارکت سیاسی (رسمی و غیر رسمی) دارد. نتایج حاصل از بررسی این فرضیه نیز با توجه به سطح معناداری ($\text{Sig.} < ۰.۰۵$) تأیید شدن این فرضیه فرعی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. نتایج رگرسیون رابطه میزان رضایتمندی از زندگی و مشارکت سیاسی رسمی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: مشارکت سیاسی رسمی
۰.۱۱۵	۵.۸۹۳	.۰۰۰	[۸.۲۶۷, ۹.۵۵۳]	۸.۹۱۹	ثابت
		.۰۰۸	[۰.۱۲, ۰.۸۷]	۰.۴۹	میزان رضایتمندی از زندگی

جدول ۱۱. نتایج رگرسیون رابطه میزان رضایتمندی از زندگی و مشارکت سیاسی غیررسمی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: مشارکت سیاسی غیر رسمی
۰.۰۸۰	۳.۸۸۲	.۰۰۰	[۸.۸۱۷, ۱۰.۱۹۶]	۹.۵۲۰	ثابت
		.۰۴۴	[۰.۰۱, ۰.۸۰]	۰.۴۱	میزان رضایتمندی از زندگی

با توجه به یافته‌ها، تحلیل‌های رگرسیونی نشان می‌دهند که رضایتمندی از زندگی به‌عنوان شاخصی از بهزیستی ذهنی، رابطه‌ای مثبت و آماری معنادار با هر دو نوع مشارکت سیاسی دارد؛ به‌گونه‌ای که افزایش سطح رضایت، تمایل به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی ساختاریافته (رسمی) و غیرساختاریافته (غیررسمی) را تقویت می‌کند.

-نتایج فرضیه پنجم

طبق این فرضیه ادعا شده است که: میزان رضایتمندی از زندگی تاثیر معناداری بر فرهنگ سیاسی جوانان بندرعباس و ابعاد مختلف آن (محدود، تبعی، مشارکتی) دارد. نتایج حاصل از بررسی این فرضیه نیز با توجه به سطح معناداری ($\text{Sig.} < 0.05$) نشان داد که این فرضیه هم طی سه مدل مجزا، تماما مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۱۲. نتایج رگرسیون رابطه میزان رضایتمندی از زندگی و فرهنگ سیاسی محدود

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی محدود	B	۹۵٪ CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۹.۲۸۴	[۸.۴۷۳, ۱۰.۱۳۷]	.۰۰۰	۴.۷۵۶	.۱۰۲
میزان رضایتمندی از زندگی	-.۰۵۴	[-.۱۰۲, -.۰۰۷]	.۰۲۴		

جدول ۱۳. نتایج رگرسیون رابطه میزان رضایتمندی از زندگی و فرهنگ سیاسی تبعی

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی تبعی	B	۹۵٪ CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۹.۹۵۸	[۹.۰۷۴, ۱۰.۸۰۲]	.۰۰۰	۱۲.۶۲۷	.۰۹۴
میزان رضایتمندی از زندگی	-.۳۳۲	[-۳.۱۰۶, ۸.۰۸۲]	.۰۲۵		

جدول ۱۴. نتایج رگرسیون رابطه میزان رضایتمندی از زندگی و فرهنگ سیاسی مشارکتی

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی مشارکتی	B	۹۵٪ CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۸.۱۵۵	[۷.۳۲۰, ۸.۹۶۱]	.۰۰۰	۴.۷۹۰	.۱۱۲
میزان رضایتمندی از زندگی	.۰۵۶	[.۰۰۸, ۱.۱۰۸]	.۰۲۷		

با تأیید فرضیه پنجم، یافته‌ها نشان می‌دهند که رضایتمندی از زندگی تأثیری چندبعدی و معنادار بر فرهنگ سیاسی جوانان بندرعباس دارد، بدین شکل که افزایش رضایت، همزمان با کاهش گرایش به فرهنگ سیاسی محدود (گرایش به ساختارهای بسته و انفعال) و فرهنگ تبعی (تابعیت کورکورانه از قدرت)، متقابلاً با تقویت فرهنگ مشارکتی (تمایل به کنش فعال و مسئولانه) همراه است.

-نتایج فرضیه ششم

طبق این فرضیه ادعا شده است که: استفاده از رسانه‌های جمعی تاثیر معناداری بر عضویت در نهادهای مدنی دارد. نتایج حاصل از بررسی این فرضیه هم با توجه به سطح معناداری ($\text{Sig.} < 0.05$) نشان داد که این فرضیه مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۱۵. نتایج رگرسیون رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی و عضویت در نهادهای مدنی

متغیر وابسته: عضویت در نهادهای مدنی	B	۹۵٪ CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	.۰۳۹	[-۱.۰۷۵, ۰.۶۹۱]	.۹۰۸	۲۳۰.۰۵۴	.۳۷۶
استفاده از رسانه‌های جمعی	.۷۹۲	[.۷۴۵, ۰.۸۵۵]	.۰۰۰		

لذا با توجه به نتایج حاصله رسانه‌های جمعی در بندرعباس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اطلاع‌رسانی، نه تنها آگاهی سیاسی و اجتماعی جوانان را ارتقا می‌دهند، بلکه امکان شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی گسترده و تقویت هویت جمعی را نیز فراهم می‌کنند. این امر در نهایت به افزایش انگیزه برای پیوستن به انجمن‌ها، تشکل‌ها و نهادهای مدنی منجر می‌شود.

-نتایج فرضیه هفتم

بر اساس این فرضیه، ادعا شده است که: عضویت در نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر پایبندی بر ارزش‌های فرهنگی دارد. نتایج حاصل از بررسیها با توجه به سطح معناداری ($Sig. < 0.05$) نشان داد که این فرضیه مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۱۶. نتایج رگرسیون رابطه عضویت در نهادهای مدنی و پایبندی به ارزش‌های فرهنگی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: پایبندی به ارزش‌های فرهنگی
.۱۵۴	۲۱.۹۰۵	.۰۰۰	[۱۴.۸۱۴, ۱۷.۶۵۶]	۱۶.۲۲۵	ثابت
		.۰۰۰	[.۱۴۵, .۳۴۲]	.۲۲۴	عضویت در نهادهای مدنی

لذا با توجه به نتایج می‌توان گفت که در جامعه‌ای که روابط خانوادگی و قومی-محلی پررنگ هستند، نهادهای مدنی اغلب پیوندی میان سنت و مدرنیته ایجاد می‌کنند. جوانانی که عضو این نهادها هستند هم از طریق فعالیت‌های داوطلبانه درون گروهی و هم از طریق مواجهه با ارزش‌های جدید اجتماعی، بیشتر در معرض فرآیندهای فرهنگی قرار می‌گیرند. این امر به تقویت هویت فرهنگی، تعهد به ارزش‌های بومی و در عین حال توانایی انطباق با شرایط نوین منجر می‌شود.

-نتایج فرضیه هشتم

طبق این فرضیه فرعی، ادعا شده است که: عضویت در نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر ابعاد مختلف مشارکت سیاسی (رسمی و غیر رسمی) دارد. نتایج حاصل از بررسیها نشان داد که این فرضیه تا حدودی مورد تأیید است و مشارکت در نهادهای مدنی از منظر آماری و با توجه به سطح معناداری ($Sig. < 0.05$) تنها بر مشارکت سیاسی غیر رسمی تاثیر معناداری دارد.

جدول ۱۷. نتایج رگرسیون رابطه عضویت در نهادهای مدنی و مشارکت سیاسی رسمی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: مشارکت سیاسی رسمی
.۰۵۸	۲.۹۵۲	.۰۰۱	[۸.۷۰۷, ۱۰.۲۷۶]	۹.۴۹۹	ثابت
		.۰۷۸	[-.۰۰۴, .۱۰۱]	.۰۴۹	عضویت در نهادهای مدنی

جدول ۱۸. نتایج رگرسیون رابطه عضویت در نهادهای مدنی و مشارکت سیاسی غیررسمی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: مشارکت سیاسی غیر رسمی
.۱۶۲	۱۳.۵۴۲	.۰۰۱	[۸.۲۲۳, ۹.۷۴۶]	۸.۹۸۱	ثابت
		.۰۴۸	[.۰۰۰, .۱۰۲]	.۰۵۱	عضویت در نهادهای مدنی

لذا به نظر می‌رسد که این یافته با نظریه "مشارکت متحول شده"^۱ نیز مطابقت دارد. این یافته با نظریه‌هایی همسوست که معتقدند در دوران معاصر، به‌ویژه با ظهور فناوری دیجیتال و تغییر ماهیت دولت‌ها، الگوهای مشارکت سیاسی در حال تحول هستند. مشارکت غیررسمی و مبتنی

¹ Transformed Participation

بر شبکه‌های اجتماعی و هویت‌های خاص، در حال افزایش است و نهادهای مدنی می‌توانند کاتالیزور این نوع مشارکت باشند، حتی اگر لزوماً به مشارکت رسمی سنتی منجر نشوند (نظریه‌هایی مرتبط با کارهای نورریس، تالی، ون دایک).

-نتایج فرضیه نهم

طبق این فرضیه فرعی، ادعا شده است که: پایداری به ارزش‌های فرهنگی تاثیر معناداری بر مشارکت سیاسی (رسمی - غیر رسمی) دارد. نتایج حاصل از بررسیها نشان داد که این فرضیه هم تا حدودی مورد تأیید است و پایداری به ارزش‌های فرهنگی با توجه به سطح معناداری ($\text{Sig.} < 0.05$)؛ تنها بر روی مشارکت سیاسی غیر رسمی تاثیر دارد.

جدول ۱۹. نتایج رگرسیون رابطه پایداری به ارزش‌های فرهنگی و مشارکت سیاسی رسمی

متغیر وابسته: مشارکت سیاسی رسمی	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۹.۷۰۷	[۸.۶۹۵, ۱۰.۷۳۴]	.۰۰۰	۰.۱۴۴	۰.۰۴۰
پایداری به ارزش‌های فرهنگی	۰.۲۷	[-۰.۲۷, ۰.۷۳]	.۳۶۱		

جدول ۲۰. نتایج رگرسیون رابطه پایداری به ارزش‌های فرهنگی و مشارکت سیاسی غیر رسمی

متغیر وابسته: مشارکت سیاسی غیر رسمی	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۶.۱۸۵	[۸.۱۸۸, ۱۰.۲۹۵]	.۰۰۱	۹.۹۸۵	۰.۱۲۴
پایداری به ارزش‌های فرهنگی	۰.۳۲۶	[۲.۰۲۶, ۷.۰۷۵]	.۰۱۷		

لذا به نظر می‌رسد که این الگو می‌تواند از منظر نظریه شهروندی فرهنگی هم تبیین شود؛ بدین شکل که اصولاً ارزش‌های فرهنگی (دینی، قومی یا محلی) به عنوان چارچوب‌های معناساز، انگیزه مشارکت در کنش‌های غیررسمی را تقویت می‌کنند و به دلیل فاصله معنایی با نهادهای رسمی یا بی‌اعتمادی به سازوکارهای بوروکراتیک، تمایلی به مشارکت در ساختارهای متعارف سیاسی ایجاد نمی‌کنند. لذا هم‌سویی این یافته با نتایج فرضیه هشتم (تأثیر نهادهای مدنی صرفاً بر مشارکت غیررسمی)، الگوی غالب مشارکت سیاسی بندرعباس را آشکار می‌سازد. از اینرو در این بستر، دو موتور محرک اصلی، ارزش‌های فرهنگی و نهادهای مدنی؛ به صورت هم‌افزا، انرژی سیاسی جوانان را از کانال‌های رسمی به سمت اکوسیستم مشارکت غیررسمی هدایت می‌کنند.

-فرضیه دهم

طبق این فرضیه ادعا شده است که: میزان رضایتمندی از زندگی، تاثیر معناداری بر فرهنگ سیاسی و ابعاد سه گانه آن (محدود، تبعی و مشارکتی) دارد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که این فرضیه هم با توجه به سطح معناداری ($\text{Sig.} < 0.05$) مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۲۱. نتایج رگرسیون رابطه رضایتمندی از زندگی و فرهنگ سیاسی محدود

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی محدود	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۹.۲۸۴	[۸.۴۷۳, ۱۰.۱۳۷]	.۰۰۰	۴.۷۵۶	۰.۱۳۲
رضایتمندی از زندگی	-۰.۵۴	[-۱.۰۲, -۰.۰۷]	.۰۲۴		

جدول ۲۲. نتایج رگرسیون رابطه رضایتمندی از زندگی و فرهنگ سیاسی تبعی

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی تبعی	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۹.۹۵۸	[۹.۰۷۴, ۱۰.۸۰۲]	.۰۰۱	۱۲.۶۲۷	۰.۱۹۴
رضایتمندی از زندگی	-۰.۳۳۲	[۳.۰۱۶, ۸.۰۸۲]	.۰۱۹		

جدول ۲۳. نتایج رگرسیون رابطه رضایتمندی از زندگی و فرهنگ سیاسی مشارکتی

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی مشارکتی	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۸.۱۵۵	[۷.۳۲۰, ۸.۹۶۱]	.۰۰۰	۴.۷۹۰	.۱۰۲
رضایتمندی از زندگی	.۰۵۶	[.۰۰۸, .۱۰۸]	.۰۰۲۷		

با تأیید کامل فرضیه دهم، یافته‌ها نشان می‌دهند رضایتمندی از زندگی رابطه‌ای منفی و معنادار با فرهنگ‌های سیاسی محدود و تبعی و مثبت و معنادار با فرهنگ مشارکتی دارد که با نظریه‌های فرهنگ سیاسی (آلموند و وربا) و تحول ارزشی (انگلهارت) همسوست. با این حال، غلبه فرهنگ تبعی در بندرعباس (۵۵٪) علیرغم این الگو، تناقضی بومی را آشکار می‌سازد و به نظر می‌رسد که رضایتمندی فردی شرط لازم، اما ناکافی برای تحقق فرهنگ مشارکتی است.

-فرضیه یازدهم

طبق این فرضیه، ادعا شده است که: عضویت در نهادهای مدنی تاثیر معناداری بر ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی دارد. نتایج بررسی این آزمون هم نشان داد که فقط بخشی از این فرضیه تأیید شده است. نتایج نشان می‌دهد که عضویت در نهادهای مدنی فقط بر فرهنگ سیاسی مشارکتی با سطح معناداری ($\text{Sig.} < ۰.۰۵$) تاثیر معناداری دارد.

جدول ۲۴. نتایج رگرسیون رابطه عضویت در نهادهای مدنی و فرهنگ سیاسی محدود

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی محدود	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۹.۲۲۵	[۸.۲۸۸, ۱۰.۲۶۴]	.۰۰۱	۲.۹۳۲	.۰۷۸
عضویت در نهادهای مدنی	-.۰۵۷	[-.۱۲۵, .۰۰۷]	.۰۸۷		

جدول ۲۵. نتایج رگرسیون رابطه عضویت در نهادهای مدنی و فرهنگ سیاسی تبعی

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی تبعی	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۹.۹۷۶	[۸.۹۶۷, ۱۰.۹۵۸]	.۰۰۱	۱۰.۸۳	.۰۵۳
عضویت در نهادهای مدنی	.۰۳۶	[-.۰۳۰, .۱۰۲]	.۳۰۵		

جدول ۲۶. نتایج رگرسیون رابطه عضویت در نهادهای مدنی و فرهنگ سیاسی مشارکتی

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی مشارکتی	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۸.۲۲۵	[۷.۳۰۵, ۹.۱۹۲]	.۰۰۰	۱۲.۸۹۳	.۰۸۵
عضویت در نهادهای مدنی	.۰۵۹	[.۰۰۸, ۰.۱۲۱]	.۰۱۸		

نتایج این فرضیه را می‌توان از منظر نظریه سرمایه اجتماعی (پاتنام) تبیین نمود؛ چرا که نهادهای مدنی به‌عنوان «مکاتب دموکراسی»، مهارت‌های شهروندی و حس اثربخشی سیاسی را تقویت می‌کنند، اما در بستر بندرعباس (۱۴۰۴) به نظر می‌رسد که به‌دلیل تمرکز بر خدمات‌رسانی محلی و محدودیت‌های ساختاری، فاقد ظرفیت چالش‌سازی با سلسله‌مراتب‌های اقتدارگرا (فرهنگ تبعی) یا غلبه بر بی‌تفاوتی سیاسی (فرهنگ محدود) هستند.

-فرضیه دوازدهم

بر طبق این فرضیه ادعا شده است که: متغیرهای زمینه‌ای همچون سن و جنسیت تاثیر معناداری بر ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی دارد. نتایج بررسی این فرضیه نیز نشان داد که فقط بخشی از فرضیه تأیید می‌شود و تاثیر متغیرهای زمینه‌ای در همه ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی یکسان نمی‌باشد. این بررسی نشان داد که متغیرهای زمینه‌ای هیچ تأثیری در فرهنگ سیاسی محدود ندارد، ولی متغیر سن در هر دو فرهنگ سیاسی تبعی و مشارکت با سطح معناداری ($Sig. < 0.05$) تاثیر آماری معناداری دارد.

جدول ۲۷. نتایج رگرسیون رابطه متغیرهای زمینه‌ای و فرهنگ سیاسی محدود

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی محدود	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۸.۷۸۱	[۸.۰۲۲, ۹.۹۳۵]	.۰۰۰	۳۶۸	.۰۴۲
جنسیت	-۲۵۱	[-۸۵۰, ۳۲۲]	.۴۱۵		
سن	-۰.۴۳	[-۰.۳۳۳, ۰.۳۲۲]	.۷۶۸		

جدول ۲۸. نتایج رگرسیون رابطه متغیرهای زمینه‌ای و فرهنگ سیاسی تبعی

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی تبعی	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۱۱.۲۳۱	[۱۰.۵۰۷, ۱۱.۸۹۹]	.۰۰۱	۹.۹۵۳	.۰۶۵
جنسیت	.۳۶۴	[-۰.۱۴۵, ۰.۸۷۹]	.۱۶۶		
سن	.۰۶۱	[۰.۲۰۹, ۰.۳۲۱]	.۰۰۲		

جدول ۲۹. نتایج رگرسیون رابطه متغیرهای زمینه‌ای و فرهنگ سیاسی مشارکتی

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی مشارکتی	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۸.۸۴۳	[۷.۹۳۰, ۹.۸۲۵]	.۰۰۱	۷.۴۶۰	.۰۷۲
جنسیت	.۳۰۳	[-۰.۴۴۰, ۱.۰۱۱]	.۳۸۲		
سن	.۰۷۰	[۰.۴۰۵, ۰.۲۶۵]	.۰۰۲		

لذا با توجه به نتایج، می‌توان گفت که افزایش سن با تجربه‌ی بیشتر تعامل با نهادهای سیاسی و درونی‌سازی ارزش‌های حاکم، تمایل به فرهنگ تبعی را تقویت می‌کند. هم‌زمان، طبقه‌های سنی بالاتر ممکن است به دلیل منافع اقتصادی تشبیه شده یا تجربه‌ی تاریخی، مشارکت انتخاباتی یا نهادی را به‌عنوان کانال مشروع تأثیرگذاری بپذیرند. ضمناً به نظر می‌رسد که عدم تأثیر جنسیت نیز نشان‌دهنده‌ی آن باشد که چالش‌های مشترک فردی-اجتماعی و اقتصادی (آلودگی محیط زیست، بیکاری، نابرابری اقتصادی و...) در بندرعباس، نگرش‌های سیاسی را فراتر از تقسیم‌های جنسیتی شکل داده است.

-فرضیه سیزدهم

بر طبق این فرضیه ادعا شده است که مشارکت سیاسی (رسمی- غیر رسمی) بر ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی (محدود- تبعی- مشارکتی) تاثیر معناداری دارد. نتایج بررسیها نشان داد که این فرضیه نیز که طی شش رگرسیون مجزا مورد بررسی قرار گرفته است، تأیید می‌گردد.

جدول ۳۰. نتایج رگرسیون رابطه مشارکت سیاسی رسمی و فرهنگ سیاسی محدود

متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی محدود	B	۹۵% CI (Bootstrap)	Sig. (۲-tailed)	F	R ²
ثابت	۱۴.۱۹۱	[۱۲.۸۵۸, ۱۵.۳۹۵]	.۰۰۰	۱۰۳.۱۳	.۱۶۸
مشارکت سیاسی رسمی	-۵۶۶	[-۶۷۱, -۴۵۲]	.۰۰۰		

جدول ۳۱. نتایج رگرسیون رابطه مشارکت سیاسی رسمی و فرهنگ سیاسی تبعی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی تبعی
.۱۸۴	۱۱۳.۷۳	.۵۷۰	[-.۶۹۵, .۳۶۶]	-.۱۴۴	ثابت
		.۰۰۱	[.۹۹۴, ۱.۰۹۸]	.۰۴۳	مشارکت سیاسی رسمی

جدول ۳۲. نتایج رگرسیون رابطه مشارکت سیاسی رسمی و فرهنگ سیاسی مشارکتی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی مشارکتی
.۲۲۲	۲۰۷.۴۸۷	.۰۰۱	[۶.۱۶۶, ۸.۶۲۸]	۷.۳۱۰	ثابت
		.۰۰۱	[.۰۵۴, .۲۷۰]	۱.۱۷۰	مشارکت سیاسی رسمی

جدول ۳۳. نتایج رگرسیون رابطه مشارکت سیاسی غیر رسمی و فرهنگ سیاسی محدود

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی محدود
.۱۷۰	۱۱۹.۷۷۱	.۰۰۰	[۱۸.۱۹۲, ۱۹.۳۷۶]	۱۸.۷۸۹	ثابت
		.۰۰۰	[-۱.۱۲۷, -۱.۰۱۲]	-.۴۶۹	مشارکت سیاسی غیر رسمی

جدول ۳۴. نتایج رگرسیون رابطه مشارکت سیاسی غیر رسمی و فرهنگ سیاسی تبعی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی تبعی
.۲۸۰	۳۳۰.۱۸۰	.۰۰۰	[۵.۸۹۸, .۴۶۶]	۷.۰۴۵	ثابت
		.۰۰۰	[-.۲۱۸, -.۴۷۲]	-.۲۴۶	مشارکت سیاسی غیر رسمی

جدول ۳۵. نتایج رگرسیون رابطه مشارکت سیاسی غیررسمی و فرهنگ سیاسی مشارکتی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: فرهنگ سیاسی مشارکتی
.۲۲۸	۸۴۰.۷۶	.۰۰۰	[۱.۸۱۷, .۶۳۴]	۱.۱۹۲	ثابت
		.۰۰۰	[.۹۹۲, ۱.۲۱۱]	.۹۵۶	مشارکت سیاسی غیر رسمی

لذا یافته‌ها نشان می‌دهند مشارکت سیاسی (رسمی و غیررسمی) تأثیری معنادار و چندبُعدی بر فرهنگ سیاسی بندرعباس دارد. مشارکت رسمی با کاهش چشمگیر بی‌تفاوتی سیاسی (فرهنگ محدود) و تقویت قوی گرایش به شهروندی فعال (فرهنگ مشارکتی) همراه است، اما تأثیر محدودی بر تضعیف پذیرش بی‌چون و چرای اقتدار (فرهنگ تبعی) دارد. مشارکت سیاسی غیررسمی نیز ضمن کاهش بی‌تفاوتی و تقویت فرهنگ مشارکتی، به‌طور نسبی هنجارهای تبعی را تضعیف می‌کند. این الگو حاکی از آن است که در بستر بومی بندرعباس، هر دو مسیر مشارکت پتانسیل دموکراتیک‌سازی دارند، اما تحول عمیق فرهنگ سیاسی غالب (تبعی) مستلزم ترکیب هم‌زمان این مشارکت‌ها با اصلاحات ساختاری برای کاهش موانع نهادی و نابرابری‌هاست.

-فرضیه چهاردهم

بر طبق این فرضیه ادعا شده بود که: به نظر می‌رسد که فرهنگ سیاسی مشارکتی نسبت به فرهنگ تبعی و محدود، به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی- اجتماعی و سیاسی حاکم بندرعباس، در میان جوانان شهر بندرعباس، فرهنگ غالب‌تر است. نتایج حاصل از بررسی این فرضیه در بخش آمار توصیفی نشان داد که این فرضیه رد شده و تأیید نمی‌گردد و بر خلاف انتظار، فرهنگ سیاسی حدود ۵۴/۹ درصد جوانان بندرعباس (۲۱۱ نفر) از نوع تبعی است. فرهنگ مشارکتی با ۳۱.۰ درصد (۱۱۹ نفر) و فرهنگ محدود با ۱۴.۱ درصد (۵۴ نفر) در مراتب بعدی قرار دارند.

-فرضیه پانزدهم

بر طبق این فرضیه ادعا شده بود که: سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف (ساختاری؛ رابطه‌ای و شناختی)، تأثیر معنی داری بر پایبندی بر ارزش‌های فرهنگی دارد. نتایج بدست آمده از بررسی این فرضیه هم نشان داد که هر سه بعد سرمایه اجتماعی، رابطه معناداری با پایبندی ارزش‌های فرهنگی داشته و لذا این فرضیه هم تأیید می‌گردد.

جدول ۳۶. نتایج رگرسیون رابطه سرمایه اجتماعی ساختاری و پایبندی به ارزش‌های فرهنگی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: پایبندی به ارزش‌های فرهنگی
.۱۴۶	۱۸.۶۱	.۰۰۰	[۱۳.۶۶۴, ۱۷.۳۷۵]	۱۵.۵۴۵	ثابت
		.۰۰۰	[.۳۲۰, .۸۵۲]	.۵۷۷	سرمایه اجتماعی ساختاری

جدول ۳۷. نتایج رگرسیون رابطه سرمایه اجتماعی رابطه‌ای و پایبندی به ارزش‌های فرهنگی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: پایبندی به ارزش‌های فرهنگی
.۱۲۶	۱۶.۴۵	.۰۰۰	[۱۱.۷۸۱, ۱۶.۶۹۴]	۱۴.۳۰۳	ثابت
		.۰۰۰	[.۳۴۸, .۹۶۴]	.۶۴۹	سرمایه اجتماعی رابطه‌ای

جدول ۳۸. نتایج رگرسیون رابطه سرمایه اجتماعی شناختی و پایبندی به ارزش‌های فرهنگی

R ²	F	Sig. (۲-tailed)	۹۵% CI (Bootstrap)	B	متغیر وابسته: پایبندی به ارزش‌های فرهنگی
.۱۴۱	۱۶.۲۶	.۰۰۰	[۱۲.۳۸۲, ۱۷.۱۸۵]	۱۴.۷۱۹	ثابت
		.۰۰۰	[.۲۹۷, .۸۸۴]	.۵۶۹	سرمایه اجتماعی شناختی

با توجه به نتایج حاصله می‌توان دریافت که هر سه بعد سرمایه اجتماعی تأثیری مثبت و معنادار بر پایبندی به ارزش‌های فرهنگی جوانان بندرعباس دارند، که در آن بعد رابطه‌ای (اعتماد و هنجارهای متقابل) با قوی‌ترین اثر ($B=0.649$)، نقش محوری ایفا می‌کند. لذا اکنون می‌توانیم تا ضرایب متغیرهای معنادار شده نهایی در مدل مفهومی تحقیق را در شکل (۱) مشاهده نماییم. این ضرایب برای متغیرهای موجود در مدل، مسیر پیچیده و تعامل چند وجهی بین متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد که در بررسی‌های بومی و منطقه‌ای بایستی بدان توجه نمود.

۰.۱۷۷+	۰.۱۷۷+	۰	مشارکتی	
۰.۱۷۸-	۰.۱۷۸-	۰	محدود (کل ۵ مسیر)	پایبندی مذهبی
۰.۳۹۲-	۰.۳۹۲-	۰	تبعی (کل ۵ مسیر)	
۰.۳۰۵+	۰.۳۰۵+	۰	مشارکتی (کل ۵ مسیر)	
۰.۱۰۱+	۰.۱۰۱+	۰	مشارکتی (کل ۳ مسیر)	رسانه‌های جمعی
۰.۱۴-	۰.۱۴-	۰	تبعی (کل ۳ مسیر)	
۰.۰۲۷-	۰.۰۲۷-	۰	محدود (کل ۳ مسیر)	
۰.۱۲۸-	۰.۰۷۴-	۰.۰۵۴-	محدود (کل ۴ مسیر)	رضایتمندی از زندگی
۰.۳۵۴-	۰.۰۲۲-	۰.۳۳۲-	تبعی (کل ۴ مسیر)	
۰.۲۰۶+	۰.۱۵۰+	۰.۰۵۶+	مشارکتی (کل ۴ مسیر)	
۰.۰۸۰-	۰.۰۸۰-	۰	تبعی	پایبندی به ارزش‌های فرهنگی
۰.۱۵۳-	۰.۱۵۳-	۰	محدود	
۰.۳۱۲+	۰.۳۱۲+	۰	مشارکتی	
۰.۱۷۸+	۰.۱۱۹+	۰.۰۵۹+	مشارکتی (کل ۳ مسیر)	عضویت در نهادهای مدنی
۰.۰۳۱-	۰.۰۳۱-	۰	تبعی (کل ۳ مسیر)	
۰.۰۵۸-	۰.۰۵۸-	۰	محدود (کل ۳ مسیر)	
۱.۰۴۳	۰	۱.۰۴۳	مشارکتی	مشارکت سیاسی رسمی
۰.۰۴۳	۰	۰.۰۴۳	تبعی	
۰.۵۶۶-	۰	۰.۵۶۶-	محدود	
+۱.۱۷۰	۰	+۱.۱۷۰	مشارکتی	مشارکت سیاسی غیر رسمی
۰.۲۴۶-	۰	۰.۲۴۶-	تبعی	
۰.۴۶۹-	۰	۰.۴۶۹-	محدود	
۰.۰۷۰	۰	۰.۰۷۰	مشارکتی	متغیر زمینه‌ای سن
۰.۰۶۱	۰	۰.۰۶۱	تبعی	

نتایج نهایی تحلیل مسیر نشان می‌دهد که در بندرعباس، مشارکت سیاسی غیررسمی با قوی‌ترین اثر مستقیم (کاهش فرهنگ محدود: -۰.۴۶۹، کاهش تبعی: -۰.۲۴۶، افزایش مشارکتی: +۱.۱۷۰) و مشارکت رسمی (کاهش محدود: -۰.۵۶۶، افزایش مشارکتی: +۱.۰۴۳) نقش محوری در شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی ایفا می‌کنند، در حالی که متغیرهای زمینه‌ای (درآمد، تحصیلات، شغل) صرفاً از طریق اثرات غیرمستقیم و با واسطه‌ای مانند سرمایه اجتماعی، پایبندی ارزشی و نهادهای مدنی عمل می‌کنند. سرمایه اجتماعی و پایبندی ارزشی به‌عنوان مکانیسم‌های واسطه کلیدی، اثرات غیرمستقیم قابل توجهی (مثلاً سرمایه رابطه‌ای: +۰.۲۰۲ بر مشارکتی) دارند، اما اثرگذاری نهایی متغیرهای ساختاری (مانند عضویت در نهادهای مدنی: +۰.۱۷۸ بر مشارکتی) به دلیل موانع نهادی و اقتصادی شهر محدود باقی می‌ماند.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، تصویری پیچیده از آسیب‌های فرهنگ سیاسی جوانان بندرعباس ترسیم می‌کند که ریشه در تعامل معیوب عوامل ساختاری، نهادی و فرهنگی دارد. غلبه فرهنگ تبعی (۵۴.۹٪) به‌عنوان پارادایم مسلط، نخستین آسیب شناسایی شده است که بازتاب‌دهنده انفعال سیاسی، پذیرش بی‌چون‌وچرای اقتدار و ضعف حس اثربخشی جمعی است. دومین آسیب کلیدی، تضعیف سرمایه اجتماعی با ابعاد سه‌گانه آن است که با وجود تأثیر معنادار بر ارزش‌های فرهنگی (ضرایب بتای ۰.۵۶۹ تا ۰.۶۴۹)، نتوانسته به تقویت فرهنگ مشارکتی منجر شود. این پارادوکس نشان‌دهنده شکاف میان انتقال ارزش‌ها و عمل‌گرایی سیاسی است. سومین آسیب مهم، نقش معیوب و ضعیف شده نهادهای مدنی است که صرفاً بر مشارکت غیررسمی ($B=0.051$) و فرهنگ مشارکتی ($B=0.059$) تأثیر معنادار دارد، اما فاقد توانایی تغییر فرهنگ تبعی است. این یافته نشان می‌دهد که نهادهای مدنی در بندرعباس به "جزیره‌های مشارکت محلی" فروکاسته‌اند و نتوانسته‌اند به جریان اصلی دموکراتیک‌سازی تبدیل شوند. وابستگی شدید به پایگاه اقتصادی-اجتماعی، چهارمین آسیبی است که بر اساس فرضیه اول، تمام

متغیرهای کلیدی (پایبندی مذهبی، مصرف رسانه، سرمایه اجتماعی) را تحت تأثیر قرار داده است. این وابستگی نشان‌دهنده آسیب طبقاتی شدن فرهنگ سیاسی است که در آن جوانان محروم از دسترسی به منابع، از فرآیندهای دموکراتیک حاشیه‌نشینی می‌کنند. پنجمین آسیب، نقش دوگانه رضایتمندی از زندگی است که با وجود تأثیر مثبت بر فرهنگ مشارکتی ($B=0.056$)، نتوانسته مانع گسترش فرهنگ تبعی شود. این پارادوکس (فرضیه پنجم) نشان‌دهنده ناکارآمدی رضایت فردی در غیاب اصلاحات ساختاری است. ششمین آسیب، غفلت از عوامل جمعیت‌شناختی است که بر اساس فرضیه دوازدهم، تنها سن تأثیر محدودی بر فرهنگ تبعی ($B=0.061$) و مشارکتی ($B=0.070$) داشته و جنسیت فاقد هرگونه نقشی است. این یافته نشان‌دهنده همگون‌سازی آسیب‌های فرهنگی در میان جوانان است. نهایتاً سرکوب فعالیت‌های ساختاری توسط هنجارهای سنتی؛ آسیب دیگری است که در رد فرضیه نهم (عدم تأثیر معنادار پایبندی به ارزش‌های فرهنگی بر مشارکت رسمی) متجلی شد، که نشان‌دهنده نقش بازدارنده‌ی هنجارهای سنتی (مانند احترام به سنت‌ها، هویت‌های قومی-مذهبی) در برابر کنشگری سیاسی رسمی است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که فرهنگ سیاسی جوانان شهر بندرعباس از نوع «تبعی» است و بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۵ درصد) در این طبقه قرار دارند، در حالی که تنها ۳۱ درصد دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی و ۱۴ درصد دارای فرهنگ محدود بودند. این نتایج بیانگر آن است که اگرچه در میان نسل جوان، آگاهی سیاسی افزایش یافته و تمایل به مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی بیشتر شده است، اما ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هنوز به گونه‌ای عمل می‌کنند که مانع از شکل‌گیری فرهنگ مشارکتی فراگیر می‌شوند. چنین وضعیتی با یافته‌های (Ghajri & Basiti, 2021) که نشان داد در جوامع کوچک ایران فرهنگ تبعی الگوی غالب است، همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که نهادهای مدنی در بندرعباس هنوز نتوانسته‌اند نقش مؤثری در تقویت حس عاملیت سیاسی و مشارکت رسمی ایفا کنند، در نتیجه جوانان بیشتر در سطح آگاهی و انفعال باقی مانده‌اند و از تبدیل شدن به کنشگران فعال بازمانده‌اند.

از منظر نظری، تأیید فرضیات پژوهش در زمینه تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر فرهنگ سیاسی، اهمیت مدل‌های چندسطحی را در تحلیل رفتارهای سیاسی نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن بود که پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان شامل تحصیلات، شغل و درآمد تأثیر معناداری بر پایبندی مذهبی، استفاده از رسانه‌های جمعی و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی دارد. این نتیجه با مطالعات (Mazi, 2022) و (Mazloom Khodashahri et al., 2020) هم‌خوان است که نشان دادند توسعه اجتماعی و برابری اقتصادی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای گسترش فرهنگ سیاسی مشارکتی محسوب می‌شوند. به بیان دیگر، در شرایطی که دسترسی برابر به منابع، فرصت‌های آموزشی و اطلاعاتی محدود است، افراد کمتر احساس می‌کنند که رأی، نظر یا کنش آن‌ها تأثیر مستقیمی بر تصمیم‌های سیاسی دارد و در نتیجه تمایل آن‌ها به مشارکت فعال کاهش می‌یابد. این وضعیت در جامعه بندرعباس که دارای شکاف‌های طبقاتی و نابرابری در فرصت‌های اقتصادی است، به شکل بارزی مشاهده می‌شود.

از سوی دیگر، نتایج تحقیق نشان داد که میزان پایبندی مذهبی تأثیر مثبتی بر رضایتمندی از زندگی دارد و این دو متغیر به‌طور غیرمستقیم فرهنگ سیاسی مشارکتی را تقویت می‌کنند. این یافته با پژوهش‌های (Amiri et al., 2021) و (Aghaei Khaneh Bargh et al., 2020) همسو است که نشان دادند افزایش سرمایه اجتماعی و پیوندهای مذهبی موجب افزایش حس رضایت، اعتماد و مسئولیت‌پذیری مدنی می‌شود. در واقع، در جوامعی مانند بندرعباس که هویت مذهبی هنوز بخشی از پیوندهای اجتماعی محسوب می‌شود، دینداری می‌تواند به عنوان منبعی برای حمایت روانی و انسجام اجتماعی عمل کند و مشارکت غیررسمی را افزایش دهد. چنین اثری در راستای نظریه (Vasilache, 2021) درباره پیوند میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی قرار می‌گیرد؛ جایی که ارزش‌های اخلاقی و دینی می‌توانند به توسعه کنش جمعی و افزایش آگاهی سیاسی یاری رسانند.

از نظر نقش رسانه‌ها، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که استفاده از رسانه‌های جمعی تأثیر معناداری بر عضویت در نهادهای مدنی دارد. این یافته با نتایج (Medvedeva, 2022) و (Alodat et al., 2023) همخوان است که بر تأثیر رسانه‌های دیجیتال در گسترش آگاهی سیاسی و تقویت ارتباطات اجتماعی تأکید دارند. در دنیای امروز، رسانه‌ها نه تنها بستر انتقال اطلاعات سیاسی بلکه محیطی برای شکل‌گیری هویت سیاسی و تقویت حس شهروندی هستند. با این حال، یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که رسانه‌های جمعی در تغییر ارزش‌ها و باورهای سنتی نقش محدودتری دارند. این امر را می‌توان با مطالعه (Ignatova, 2023) توضیح داد که بیان می‌کند مشارکت دیجیتال در صورتی می‌تواند مؤثر واقع شود که با آموزش انتقادی و سواد رسانه‌ای همراه باشد. در غیر این صورت، استفاده از رسانه‌های اجتماعی به جای تقویت کنش جمعی، ممکن است به بازتولید الگوهای انفعالی و واکنشی منجر گردد.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان دادند که عضویت در نهادهای مدنی اثر مثبتی بر پایبندی به ارزش‌های فرهنگی و مشارکت غیررسمی دارد، اما تأثیر آن بر مشارکت رسمی و فرهنگ تبعی معنادار نبود. این یافته با نظریه (Putnam et al., 1993) درباره نقش سرمایه اجتماعی و با پژوهش (Abbasi Esfejr & Esfandiari, 2017) همسو است که نشان می‌دهد مشارکت در نهادهای مدنی مهارت‌های ارتباطی و اعتماد متقابل را افزایش می‌دهد ولی الزاماً به مشارکت رسمی سیاسی منجر نمی‌شود. این الگو به‌ویژه در جوامعی مشاهده می‌شود که اعتماد به نهادهای حکومتی پایین و کارایی سیاسی ضعیف است. در چنین شرایطی، افراد گرایش دارند در قالب فعالیت‌های مدنی غیررسمی (مانند فعالیت‌های فرهنگی، زیست‌محیطی یا مذهبی) هویت اجتماعی خود را بازتعریف کنند (Reidy et al., 2015; Shiri, 2020). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نهادهای مدنی در بندرعباس به‌رغم نقش تقویت‌کننده در انسجام فرهنگی، هنوز به سطحی از پویایی نرسیده‌اند که بتوانند فرهنگ مشارکتی را به‌صورت ساختاری تقویت کنند.

یافته‌ها همچنین نشان داد که متغیر رضایتمندی از زندگی تأثیر معنادار و چندبعدی بر فرهنگ سیاسی دارد؛ بدین معنا که افزایش رضایت از زندگی موجب کاهش فرهنگ محدود و تبعی و افزایش فرهنگ مشارکتی می‌شود. این نتیجه با مدل تحول ارزش‌ها و مطالعات (Feischmidt, 2020) و (Barnett, 2019) قابل تبیین است؛ زیرا بر اساس این دیدگاه، بهبود کیفیت زندگی، امنیت اقتصادی و رضایت ذهنی، زمینه انتقال از ارزش‌های بقا به ارزش‌های خودابرازی و مشارکت‌جویانه را فراهم می‌کند. با این حال، برتری نسبی فرهنگ تبعی در بندرعباس نشان می‌دهد که رضایت فردی شرط لازم ولی ناکافی برای مشارکت فعال سیاسی است. در جوامعی که ساختار سیاسی تمرکزگرا و عمودی است، حتی رضایت از زندگی نیز الزاماً به کنش سیاسی فعال منجر نمی‌شود (Moradi Jo, 2020).

از سوی دیگر، تأیید رابطه میان پایبندی به ارزش‌های فرهنگی و مشارکت سیاسی غیررسمی نشان‌دهنده آن است که فرهنگ بومی و دینی هنوز نقش پررنگی در شکل‌گیری الگوهای کنش سیاسی ایفا می‌کند. این نتیجه با مطالعات (Noroozi et al., 2020) و (Ahmadi et al., 2018) هم‌خوان است که بر تأثیر هنجارهای فرهنگی در جامعه‌پذیری سیاسی تأکید دارند. در واقع، ارزش‌های فرهنگی در جوامعی مانند بندرعباس، که دارای تنوع قومی و مذهبی هستند، بیشتر در جهت همبستگی درون‌گروهی و بازتولید روابط مبتنی بر وفاداری عمل می‌کنند تا تقویت فرهنگ مشارکتی عمومی. این پدیده با مفهوم «شهروندی فرهنگی» (Tombu, 2021) هم‌راستا است که معتقد است افراد در جوامع در حال گذار بیشتر از طریق کنش‌های غیررسمی و مبتنی بر هویت‌های فرهنگی به سیاست واکنش نشان می‌دهند.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان دادند که متغیرهای زمینه‌ای مانند سن تأثیر معناداری بر ابعاد فرهنگ سیاسی دارند، در حالی که جنسیت چنین نقشی ندارد. این یافته با مطالعه (Sajjadi & Maghsoudi, 2019) درباره تفاوت نسل‌ها در سنج و با پژوهش (Parsakia, Rostami, Saadati, et al., 2023) در خصوص گسست نسلی در ایران همسو است. جوان‌ترها تمایل بیشتری به فرهنگ مشارکتی و استفاده از رسانه‌های دیجیتال برای بیان دیدگاه‌های سیاسی دارند، در حالی که نسل‌های بزرگ‌تر هنوز در چارچوب ارزش‌های تبعی و ساختارهای سنتی عمل می‌کنند. این تغییر، نشانگر گذار تدریجی از فرهنگ سیاسی اقتدارمحور به فرهنگی مبتنی بر فردگرایی و آگاهی مدنی است (Antonova, 2023; Majumdar, 2023).

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش در چارچوب مطالعات بین‌المللی نیز قابل تفسیر است. پژوهش (Kristóf et al., 2021) نشان داده است که همگنی سیاسی در شبکه‌های فرهنگی می‌تواند به قطب‌بندی اجتماعی و تضعیف گفت‌وگوی سیاسی منجر شود. در بندرعباس نیز به نظر می‌رسد که ساختارهای طبقاتی و قومی، موجب ایجاد شبکه‌های فرهنگی بسته شده‌اند که تعامل بین گروهی را محدود می‌کنند و مانع از گسترش فرهنگ مشارکتی می‌شوند. همچنین یافته‌های (Zavershinskiy, 2019) درباره بازسازی نمادین فرهنگ سیاسی تأیید می‌کند که تغییر در باورها و ارزش‌ها نیازمند بازتعریف نمادها و معانی سیاسی است، امری که در بافت‌های سنتی‌تر هنوز با مقاومت روبه‌رو است. از سوی دیگر، (Abdukhalik, 2022) در مطالعه خود درباره نقش فرهنگ سیاسی جوانان در مدیریت تعارض‌ها بیان می‌کند که توانایی گفت‌وگو، مدارا و تفکر انتقادی، پایه‌های اصلی فرهنگ مشارکتی‌اند؛ عناصری که در ساختارهای فرهنگی محافظه‌کارانه کمتر پرورش یافته‌اند. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ سیاسی جوانان بندرعباس در مرحله‌ای گذار از تبعیت به مشارکت قرار دارد. رضایت از زندگی، سرمایه اجتماعی، و نقش رسانه‌ها از یک‌سو عوامل تقویت‌کننده‌اند، اما ساختارهای طبقاتی، ضعف نهادهای مدنی و کمبود سواد سیاسی و رسانه‌ای از سوی دیگر به‌عنوان موانع ساختاری عمل می‌کنند. بنابراین، اصلاح فرهنگ سیاسی در این منطقه مستلزم تغییر در نظام آموزشی، ارتقای ظرفیت نهادهای مدنی، و ایجاد فرصت‌های برابر برای کنشگری سیاسی و فرهنگی جوانان است تا بتوان به تدریج زمینه شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مشارکتی را فراهم آورد (Medvedeva, 2022; Shiri, 2020; Vasilache, 2021).

این مطالعه از نظر جغرافیایی صرفاً بر شهر بندرعباس متمرکز بود، بنابراین تعمیم نتایج به سایر مناطق کشور باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین، استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه موجب محدودیت در عمق تبیین پدیده‌های فرهنگی شد. برخی متغیرهای کیفی مانند نگرش‌های ایدئولوژیک، تجربه‌های زیسته سیاسی، و نقش شبکه‌های دیجیتال غیررسمی در مشارکت، به دلیل محدودیت‌های اجرایی، بررسی نشدند. علاوه بر این، پژوهش در یک بازه زمانی خاص انجام شد و تغییرات سیاسی و اجتماعی آینده می‌تواند بر نتایج تأثیر بگذارد. پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی با استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) و تحلیل شبکه‌ای، روابط میان نسل‌های مختلف، رسانه‌ها و نهادهای مدنی را بررسی کنند. انجام مطالعات تطبیقی بین شهرهای بندری و غیر بندری ایران نیز می‌تواند به شناسایی اثرات جغرافیایی بر فرهنگ سیاسی کمک کند. همچنین، تحلیل محتوای رسانه‌های اجتماعی جوانان بندرعباس می‌تواند درک عمیق‌تری از نگرش‌های سیاسی نوین آنان فراهم سازد.

ضروری است سیاست‌گذاران با ایجاد برنامه‌های آموزش سیاسی و رسانه‌ای، سواد مدنی جوانان را تقویت کنند. تقویت نهادهای مدنی محلی و ایجاد فرصت‌های مشارکت فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه برای زنان و اقلیت‌های قومی، می‌تواند مسیر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مشارکتی را هموار سازد. همچنین پیشنهاد می‌شود رسانه‌های محلی و ملی در جهت ترویج گفت‌وگوی بین‌نسلی، ارتقای اعتماد اجتماعی و آموزش حقوق شهروندی نقش فعال‌تری ایفا کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

۲۴

Introduction

Political culture constitutes one of the core dimensions shaping political behavior, legitimacy, and civic participation in societies undergoing rapid transformation. As (Ordukhanyan, 2019) notes, it reflects the pattern of orientations—cognitive, affective, and evaluative—that individuals hold toward the political system and their role within it. In the context of developing societies such as Iran, the political culture of youth serves as both a mirror of structural change and an indicator of democratic potential. Previous studies have highlighted that while modernization has enhanced political awareness, it has not necessarily translated into higher political participation (Amiri et al., 2021; Ghajri & Basiti, 2021). This discrepancy stems from deep-seated institutional distrust, social inequality, and historical legacies of authoritarian governance (Fatemi Nia, 2019; Nejatpour et al., 2017).

Political culture in Iran has evolved through waves of sociopolitical upheaval—from the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution and the reform era—each leaving traces on citizens' attitudes toward authority, participation, and civil engagement (Moradi Jo, 2020). According to (Fatemi Nia, 2019), despite structural reforms and democratization attempts, Iran's dominant political culture remains “subject-oriented,” characterized by awareness of political institutions without active engagement in political processes. This state of semi-passivity is reinforced by socioeconomic inequalities, insufficient civic education, and the limited efficacy of participatory mechanisms (Aghaei Khaneh Bargh et al., 2020; Shiri, 2020).

Theoretical approaches emphasize the bidirectional relationship between social capital and political culture. (Vasilache, 2021) argues that political culture both shapes and is shaped by the density of social networks, civic trust, and associational life. Similarly, (Aghaei Khaneh Bargh et al., 2020) demonstrated that social capital mediates the relationship between political trust and political participation in Iran. These findings resonate with (Abbasi Esfejr & Esfandiari, 2017), who found that greater social trust among students enhances participatory orientations, reducing the prevalence of subject political culture.

In recent years, the digital revolution has redefined youth political socialization worldwide. (Medvedeva, 2022) highlights the significance of media competence in shaping young people's political awareness in Russia, while (Ignatova, 2023) and (Kenesov, 2024) show that digital citizenship has become a key factor in promoting youth activism and civic engagement. However, the same technologies can deepen polarization and propagate superficial political attitudes when critical media literacy is lacking. In the Middle East, social media has provided new channels for political expression but has also fragmented collective identities (Alodat et al., 2023).

The generational dimension of political culture is particularly crucial in Iran. Studies by (Parsakia, Rostami, Darbani, et al., 2023; Parsakia, Rostami, Saadati, et al., 2023) indicate a widening gap between Generation Z and earlier generations in values, communication styles, and modes of political expression. Younger cohorts tend to adopt individualized, media-based, and informal modes of participation, distancing themselves from

formal political structures. Similarly, (Johnson, 2023) emphasizes the centrality of political efficacy and self-expression among youth as predictors of engagement, even in contexts of limited institutional openness.

Global perspectives complement this view. (Barnett, 2019) argues that democratic stability depends on cultivating civic virtues and cultural pluralism. (Feischmidt, 2020) identifies a “nationalist turn” in youth culture in Eastern Europe, reflecting anxieties about identity and belonging amid globalization. Moreover, (Mirenda & Chavero, 2021) highlights how structural inequalities and gendered norms constrain political participation, particularly among women. The interaction between cultural traditions, class structures, and media environments thus becomes decisive in understanding political culture in hybrid societies such as Iran (Mazi, 2022; Mazloom Khodashahri et al., 2020).

From a sociological lens, (Kokh et al., 2020) and (Shevchenko et al., 2020) underscore the importance of educational institutions in shaping students’ political orientations. Weak civic education and authoritarian pedagogical practices discourage critical thinking and hinder the emergence of participatory values. Likewise, (Reidy et al., 2015) found that in post-conflict societies, the absence of intermediary cultural institutions perpetuates passive political orientations. Conceptually, (Zavershinskiy, 2019) frames political culture as a symbolic reconstruction of the political order—a system of meanings through which citizens interpret power relations. This approach aligns with (Kristóf et al., 2021), who demonstrates that political homophily within cultural networks fosters polarization and limits intergroup dialogue.

Building on these insights, the present study investigates the sociological dimensions and pathologies of youth political culture in Bandar Abbas, a diverse and dynamic urban setting in southern Iran. The city’s ethnic and cultural heterogeneity provides a unique context for examining how socioeconomic status, religiosity, media consumption, and social capital interact to shape political orientations. The study aims to answer two key questions: (1) What is the predominant type of political culture among the youth of Bandar Abbas? (2) Which social and cultural factors most strongly predict participatory versus subject orientations? Addressing these questions can deepen understanding of youth political socialization in transitional societies and offer policy insights for promoting democratic engagement (Amiri et al., 2021; Noroozi et al., 2020).

Methods and Materials

This study employed an applied and exploratory design using a descriptive–correlational and cross-sectional survey approach. The statistical population included 384 young residents of Bandar Abbas aged 19–29 years, selected through purposive and random sampling. Data were gathered using ten researcher-made Likert-type questionnaires comprising 72 items. Instrument reliability was confirmed through Cronbach’s alpha coefficients exceeding 0.70, and validity was established through expert review and convergent validity analysis. Descriptive statistics (mean, standard deviation) and inferential techniques—including multiple regression, path analysis, and bootstrap regression—were applied to evaluate direct and indirect effects among variables such as socioeconomic status, religiosity, life satisfaction, social capital, and media use on the dimensions of political culture (parochial, subject, participatory).

Findings

The results indicated that 55% of respondents exhibited a subject political culture, 31% a participatory culture, and 14% a parochial culture. Socioeconomic status significantly influenced religiosity, media use, and social capital dimensions. Higher education and income levels were associated with stronger political awareness and greater participation in civil organizations. Religiosity positively affected life satisfaction and indirectly fostered adherence to cultural values. Life satisfaction had a positive effect on participatory political orientations and a negative effect on both parochial and subject cultures.

Media use significantly increased membership in civic organizations and engagement in informal political activities but had limited influence on formal participation. Membership in civil associations strengthened cultural commitment and social trust, contributing indirectly to participatory orientations. However, the overall

structure of civic institutions remained weak, restricting the translation of informal engagement into formal political action.

Gender did not significantly affect political culture, whereas age showed a meaningful correlation: younger participants demonstrated stronger tendencies toward participatory and digital forms of engagement. Structural inequalities, limited civic capacity, and dependence on class-based networks were identified as the main constraints on developing participatory political culture in Bandar Abbas.

Discussion and Conclusion

The findings underscore that the political culture of youth in Bandar Abbas remains predominantly subject-oriented, reflecting a transitional state between traditional passivity and emerging participatory consciousness. This pattern corroborates (Ghajri & Basiti, 2021) and (Amiri et al., 2021), who found that structural and institutional constraints in Iranian cities maintain citizens' semi-passive political orientations. Despite growing political awareness and access to media, the lack of institutional trust and effective civic education continues to hinder participatory engagement.

The significant role of socioeconomic status in shaping political culture highlights the material foundations of civic participation, consistent with (Mazi, 2022) and (Mazloom Khodashahri et al., 2020). Economic inequality and restricted access to educational and informational resources weaken individuals' sense of political efficacy, thereby reproducing subject-oriented attitudes. At the same time, religiosity appears as a positive predictor of civic engagement by fostering trust and social cohesion, aligning with (Aghaei Khaneh Bargh et al., 2020) and (Amiri et al., 2021). This demonstrates the enduring role of moral and communal values as motivational resources for political involvement in religiously infused societies.

Media influence emerged as a double-edged factor: while it enhances awareness and connectivity, it does not automatically lead to participatory behavior. This nuance mirrors (Medvedeva, 2022), who stresses that digital participation without critical literacy may reinforce superficial or reactionary forms of engagement. The growing reliance on social networks among Bandar Abbas youth, as seen in (Ignatova, 2023) and (Kenesov, 2024), indicates a shift from institutional to expressive modes of participation. Yet, the lack of robust civic organizations limits the potential of online activism to translate into structural political impact.

The correlation between life satisfaction and participatory culture further supports value transformation theories (Barnett, 2019; Feischmidt, 2020). As personal well-being improves, individuals shift from survival-based orientations toward self-expression and civic participation. However, this transformation remains incomplete in Iran's semi-authoritarian political context, where citizens' satisfaction does not necessarily translate into political empowerment (Moradi Jo, 2020).

Generational and cultural variables reveal that youth political orientations are evolving toward informal, identity-based participation rather than institutional engagement, in line with (Parsakia, Rostami, Darbani, et al., 2023; Parsakia, Rostami, Saadati, et al., 2023). This transition reflects global trends identified by (Majumdar, 2023) and (Johnson, 2023), where political expression increasingly takes place through digital platforms, community movements, and cultural activism.

In conclusion, the study suggests that the youth political culture in Bandar Abbas is positioned within a transitional framework—balancing traditional cultural loyalties with emerging participatory aspirations. While factors such as religiosity, life satisfaction, and social capital encourage civic-mindedness, persistent socioeconomic disparities, weak civil institutions, and limited media literacy inhibit full democratization of political behavior. Strengthening political education, enhancing the effectiveness of civic organizations, and fostering critical media competence are essential for cultivating participatory political culture among Iranian youth.

References

- Abbasi Esfejr, A. A., & Esfandiari, M. (2017). Investigating the Impact of Social Capital on the Political Participation of Students (Case Study: Students of Islamic Azad University, Sari Branch). *Biannual Journal of Participation and Social Development*, 2(4), 47-78. <https://jpsd.hormozgan.ac.ir/article-1-83-en.html>
- Abdukhalyk, Z. (2022). Political culture of the youth and its role in conflict transformation. *Adam Alemi*(362), 69-76. <https://doi.org/10.48010/2022.4/1999-5849.07>
- Aghaei Khaneh Bargh, A., Gharibzadeh, R., & Azadi Baris, L. (2020). Modeling the Role of Political Culture in Political Participation and Trust with the Mediation of Social Capital. *Strategic Cultural Studies Quarterly*, 2(3), 68-81. <https://elmnet.ir/doc/2477457-89341>
- Ahmadi, Y., Mohammadzadeh, H., & Majidi, A. (2018). A Typology of the Political Culture of Students in Kurdistan Province Based on Socio-Cultural Variables. *Journal of Applied Sociology*, 29(1), 107-128. https://jas.ui.ac.ir/article_22563_en.html
- Alodat, A. M., Al-Qora'n, L. F., & Hamoud, M. A. (2023). Social media platforms and political participation: A study of Jordanian youth engagement. *Social Sciences*, 12(7), 402. <https://doi.org/10.3390/socsci12070402>
- Amiri, S., Khodami, A., & Rasekh, K. (2021). Investigating the Impact of Social Capital on the Political Culture of Citizens in Shiraz (With an Emphasis on a Comparative Study of Those Born Before and After the 1980s). *Iranian Political Sociology Journal*, 4(3), 255-276. <https://ensani.ir/fa/article/504012/>
- Antonova, E. V. (2023). Political Values, Orientations and Ideals of Modern Youth and Their Reflection in Virtual Space. *Гуманитарий*. <https://doi.org/10.15507/2078-9823.063.023.202303.336-348>
- Barnett, C. (2019). *Culture and Democracy*. Edinburgh University Press. <https://doi.org/10.1515/9781474464192>
- Fatemi Nia, M. A. (2019). One Hundred Years of Political Culture in Iran: A Meta-Analysis of Research Works Related to the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution. *Strategic Studies Quarterly*, 22(86), 37-60. https://quarterly.risstudies.org/article_105460.html
- Feischmidt, M. (2020). The Nationalist Turn in Youth Culture. *Intersections. East European Journal of Society and Politics*, 6(4), 154-174. <https://doi.org/10.17356/ieejsp.v6i4.662>
- Ghajri, H., & Basiti, S. (2021). Sociological Explanation of the Types of Political Culture of the People of Borujen City. *Journal of Political Research in the Islamic World*, 11(4), 121-149. https://priw.ir/browse.php?a_id=1406&sid=1&slc_lang=en&ftxt=0
- Ignatova, T. (2023). Digital political participation as a form of youth political activity. *Central Russian Journal of Social Sciences*. <https://doi.org/10.22394/2071-2367-2023-18-4-96-115>
- Johnson, C. S. (2023). Conceptualizing Adolescent Black Youth Political Efficacy in an Era of Crises. *Research in Educational Policy and Management*. <https://doi.org/10.46303/repam.2023.5>
- Kenesov, A. (2024). Digital citizenship in the 21st century: Analyzing the impact of social media on youth political activism and civic engagement. <https://doi.org/10.63034/esr-53>
- Kokh, I., Birukova, T. S., & Skutin, S. (2020). The political culture of student's youth. *Socio-Economic and Legal Research*, 6(2), 18-36. <https://doi.org/10.21684/2411-7897-2020-6-2-18-36>
- Kristóf, L., Kisfalusi, D., & Vit, E. (2021). Political homophily in cultural reputational networks. *Poetics*, 1-17. <https://doi.org/10.1016/j.poetic.2021.101538>
- Majumdar, B. (2023). Youth Leadership and Participation in Political Processes. https://doi.org/10.1007/978-981-99-4969-4_26
- Martinez, S. B., Aramburu, J., Lucio, J., Grimes, E., & Cross, F. L. (2023). Sharing the Burden: Latinx Immigrant Parents and Teens' Sociopolitical Discussions and Their Impact on Youth Mental Health. *New directions for child and adolescent development*, 2023, 1-17. <https://doi.org/10.1155/2023/6619066>
- Mazi, M. G. (2022). *Sociological Analysis of Political Culture with an Emphasis on Social Capital in the Marginalized Areas of Sanandaj City (Case Study: Naysar Separated Urban Area)* Payame Noor University, Sanandaj Center]. Sanandaj.
- Mazloom Khodashahri, M., Nouri, H., Gholami, M. R., & Alizadeh, R. (2020). Investigating the Relationship Between Social Development and Political Culture in Iranian Society (Case Study: Citizens of Rasht City). *Political Science Research Journal*, 15(3), 173-200. https://www.ipsajournal.ir/article_411.html?lang=en
- Medvedeva, M. (2022). The problem of media competence in the political culture of young people in Russia. *Sociodynamics*(5), 1-10. <https://doi.org/10.25136/2409-7144.2022.5.38159>
- Mirenda, C., & Chavero, E. L. (2021). Cultural vulnerability, risk reduction and gender equity: two Mexican coastal communities. *Environmental Hazards*, 21(3), 235-253. <https://doi.org/10.1080/17477891.2021.1945996>
- Moradi Jo, A. (2020). Pathology of the Political Culture of Contemporary Iran and Its Effects. The 4th International Conference of Interdisciplinary Studies in Humanities and Islam in Iran, <https://en.civilica.com/doc/1162303/>
- Nejatpour, M., Sadeghi, Z., & Yousefi Juybari, M. (2017). Pathology of Political Culture in Iran After the Islamic Revolution. *Sociological Studies Quarterly*, 10(37), 83-103. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/jss/Article/538186?jid=538186>

- Noroozi, H., Tahmasebi Aghbolaghi, D., & Jasm Bachari, K. (2020). Analyzing the Role of Political Marketing, Political Culture, and Social Capital on the Political Tendencies of People in Iran. *Journal of Political Research in the Islamic World*, 10(1), 193-218. <https://priw.ir/article-1-1144-en.html>
- Nygård, M., Nyqvist, F., Steenbeek, W., & Jakobsson, G. (2020). Does social capital enhance political participation of older adults? A multi-level analysis of older Finns and Swedes. *Journal of International and Comparative Social Policy*, 31(3), 234-254. <https://doi.org/10.1080/21699763.2015.1069207>
- Ordukhanyan, E. (2019). A Comparative Analysis of Theoretical and Methodological Foundations of Political Culture. *Wisdom*, 1(12), 38-48. <https://doi.org/10.24234/wisdom.v12i1.227>
- Parsakia, K., Rostami, M., Darbani, S. A., Saadati, N., & Navabinejad, S. (2023). Explanation of the concept of generation disjunction in studying generation z. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies (JAYPS)*, 4(2), 136-142. <https://doi.org/10.61838/kman.jayps.4.2.15>
- Parsakia, K., Rostami, M., Saadati, N., & Navabinejad, S. (2023). Analyzing the causes and factors of the difference between the girls of the generation Z and the previous generations in Iran from the perspective of social psychology. *Psychology of Woman Journal*, 4(1), 1-13. <https://doi.org/10.61838/kman.pwj.4.1.1>
- Putnam, R. D., Leonardi, R., & Nanetti, R. Y. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400820740>
- Reidy, C. M., Taylor, L. K., Merrilees, C. E., Ajduković, D., Čorkalo Biruški, D., & Cummings, E. M. (2015). The political socialization of youth in a post-conflict community. *International Journal of Intercultural Relations*, 4, 11-23. <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2014.12.005>
- Sajjadi, G., & Maghsoudi, M. (2019). Analysis of the Transformation Process of Political Culture in the Social Generations of Sanandaj City. *Social Studies and Research in Iran*, 8(4), 717-744. https://jsr.ut.ac.ir/article_74883.html?lang=en
- Shevchenko, H., Antonenko, T., Zelenov, E., Bezuhla, M., & Safonova, I. (2020). Features of Education of the Political Culture of Students in a Post-Epidemic Society. *Postmodern Openings*, 11(2), 128-141. <https://doi.org/10.18662/po/11.2/166>
- Shiri, H. (2020). Types of Political Culture in Contemporary Iran and Its Pathological Implications for Political Stability and Civil Society. *Politics Quarterly*, 50(1), 173-189. https://jfq.ut.ac.ir/article_76887.html?lang=en
- Tombu, D. (2021). Formation Conditions of Russian Youth's Political Consciousness. *Journal of Political Science and International Relations*, 4(4), 136-142. <https://doi.org/10.11648/j.jpsir.20210404.12>
- Vasilache, L. M. (2021). Political Culture and its Role in The Development Of Social Capital. *International Journal of Legal and Social Order*(1), 534-538. <https://doi.org/10.55516/ijlso.v1i1.34>
- Zavershinskiy, K. F. (2019). Political Culture as Symbolic "Rebuilding" of the Political. *Political Expertise: POLITEX*(1), 88-107. <https://doi.org/10.21638/11701/spbu23.2019.107>